

موانع بازداشت اموال بدهکاران در حقوق اسلام، ایران و فرانسه^۱

علمی - پژوهشی

فتاح سلیمی خورشیدی *

مسعود البرزی ورکی **

سلیمان ولی زاده ***

چکیده

گرچه هدف غایی از تحصیل حکم یا تنظیم سند لازم الاجرا برای محکوم له یا ذینفع سند، اخذ مطالبات یا اجرای تعهدات و پرداخت بدهی‌ها توسط محکوم علیه، متعهد یا شخص ثالث است، اما به صرف تحصیل حکم یا تنظیم سند، چنین هدفی حاصل نمی‌شود. از جمله درخواست‌های محکوم‌له یا متعهدله بازداشت مال یا اموال شخص متعهد به عنوان یکی از مهمترین عملیات اجرایی، می‌باشد. به دلیل موانع متعدد، اجرای این اقدامات در مراجع قضایی و ثبتی ایران به راحتی امکان‌پذیر نبوده، مسیر عملیات اجرایی، به ویژه در رابطه با بازداشت اموال، با چالش‌های جدی مواجه است. پژوهش حاضر، به روش توصیفی - تحلیلی، درصدد تبیین خلاءهای ناشی از سکوت قانونگذار در بیان بعضی احکام و مقررات بازداشت، وجود مشکلات، محدودیت‌ها و موانع بازداشت اموال دولتی، عمومی، شهرداری‌ها، سفارتخانه و کنسولگری‌ها و اجرای قواعد مقررات مستثنیات دین است، که رفع آنها در گرو اصلاح یا بازنگری مقررات مربوطه می‌باشد. در حقوق فرانسه، اسلام و برخی از کشورهای اسلامی نیز این موارد وجود دارد. اما در حقوق فرانسه، به واسطه ایجاد ساختار حقوقی و اجرایی مناسب، اصلاح و تصویب قوانین جدید و... بسیاری از موانع مرتفع گردیده و امر بازداشت با مشکلات کمتری مواجه است.

کلید واژه‌ها: موانع بازداشت، اموال دولتی، مستثنیات دین، حقوق فرانسه، حقوق اسلام اسلام

^۱ -- تاریخ وصول: (۱۴۰۰/۰۲/۲۶) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۹/۰۷)

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی زنجان

Fattah.salimikhorshidi@gmail.com

** دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

alborzi@SOC.ikiu.ac.ir

*** استادیار گروه حقوق خصوصی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران

Valizadehsalman@gmail.com

مقدمه

هدف اصلی از صدور احکام و تنظیم اسناد، اجرای تعهدات توسط محکوم علیه، متعهد یا شخص ثالث است. اما با استنفاف این اشخاص از ایفای تعهد، برای نظام ضمانت اجرایی چاره‌ای جز بازداشت، ارزیابی و در نهایت فروش اموال آنها باقی نمی‌ماند. تا با طی تشریفات بازداشت و مزایده، مطالبات اشخاص ذینفع پرداخت، هزینه‌های اجرایی تادیه و ختم عملیات اجرایی اعلام گردد. لیکن این اقدامات در مراجع قضایی و ثبتی ایران به راحتی امکان پذیر نیست. زیرا، علاوه بر فرار متعهدین از انجام تعهدات، وجود ابهامات، کاستی‌ها، خلاءها و تناقضات در قوانین و مقررات مربوط، انجام عملیات اجرایی را با مشکلات و موانع عدیده مواجه می‌سازد. لذا شایسته است رویکرد حقوق فرانسه - به عنوان نماد نظام رومی ژرمنی، که حقوق نوین ایران نیز متأثر از آن بوده، عملاً به خانواده حقوقی مذکور به عنوان حقوق مدون و مکتوب متمایل گردیده است - و حقوق اسلام که با ورود دین اسلام به سرزمین ایران، دگرگونی شگرف در احوال و روابط حقوقی مردم ایجاد نمود و نحوه مالکیت و ساختار دولت به تدریج براساس تعلیمات آن شکل گرفته است، مورد بررسی تطبیقی قرار گیرد، تا ضمن مقایسه، بیان تفاوت‌ها و کارکردها، چالش‌ها و موانع این نظام‌ها در رابطه با بازداشت اموال مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

با وجود تصویب آیین نامه اجرایی شناسایی و توقیف اموال مدیون در اجرای مفاد اسناد رسمی و راه اندازی سامانه هوشمند استعلامات مالی قوه قضاییه (سهم)، گذشت بیش از چهار دهه از اجرای قانون اجرای احکام مدنی و بیش از یک دهه از اجرای آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا، پیچیدگی‌ها، دشواری‌ها، موانع و مشکلات زیادی را در قلمرو اجرا آشکار ساخته است. این در حالی است که در ادبیات حقوقی ما، به رغم تحلیل و تفسیر مقررات ماهوی، در رابطه با مسائل مربوط به اجرا، به ویژه موانع بازداشت، پژوهش و اهتمام لازم صورت نگرفته است. این تحقیق، درصد بررسی و تبیین موانع و گاهی مقایسه آنها در نظام‌های مذکور می‌باشد. مقاله بر آن است، تا در پرتو تجربه عملی، ضمن بیان خلاءها و موانع در نظام اجرایی قضایی و ثبتی ایران در رابطه با بازداشت اموال، با نگاهی به حقوق اسلام و فرانسه، راهکارهای حقوقی و عملی برای رفع مشکلات، عمدتاً از طریق طرح پیشنهاداتی جهت اصلاح قوانین و مقررات مربوط، ارائه دهد.

۱- موانع یا محدودیت‌های بازداشت اموال دولتی

از جمله موانع یا محدودیت در عملیات اجرایی قضایی و ثبتی، بازداشت اموال دولتی می‌باشد. در عنوان و متن «قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت و عدم تامین و توقیف اموال دولتی مصوب ۱۳۶۵/۸/۱۵» از اصطلاح "دولت"^۱ و "اموال دولتی"^۱ استفاده شده، است، اما در نبود تعریف قانونی

^۱ State

از واژه دولت، در ادبیات حقوقی ما این واژه در مفاهیم گوناگونی به کار رفته است (ابوالحمد، ۱۳۶۹، ۱۴). در بعضی موارد دولت به معنای عام (کشور) و مترادف "حکومت"^۱ به عنوان یکی از اساسی-ترین نهادهای هر کشوری شمرده می‌شود (شعبانی، ۱۳۹۳، ۴۵) و نماد شخصیت حقوقی، ماهیت مستقل یک کشور در عرصه بین‌المللی و یک عضو جامعه جهانی است (Roburt, ۱۹۸۷, ۵۶۱). این همان مفهومی است که در زبان فرانسه به آن "طبقه حاکم"^۲ یا "نهادهای فرمانروا"^۳ گفته می‌شود (قاضی، ۱۳۹۹، ۵۴).

همچنین، با توجه به عدم ارائه تعریف قانونی مشخص از اموال در اختیار دولت، به خصوص اموال دولتی، حقوقدانان تعاریف و تفاسیر متفاوتی از آن ارائه کرده اند (معصومی و عباسی، ۱۳۹۸، ۱۵۶). به نظر برخی نویسندگان، این اموال طبق قوانین و مقررات در اختیار دولت قرار دارد و، به جهت انجام وظایف یا اعمال حاکمیت و تصدی، از آن‌ها استفاده می‌نماید (رودیجانی، ۱۳۹۲، ۸۵). بنابراین، بازداشت اموال متعلق به دولت اعم از وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی که در آمد، بودجه و مخارج آنها در بودجه کل کشور منظور می‌گردد، با رعایت قانون مذکور انجام می‌شود.

البته ماده واحده قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت، بر خلاف قاعده و به عنوان استثنایی بر قواعد عمومی می‌باشد. طبق این قاعده، که در مواد ۴۹ و ۵۰ ق.ا.ا.م. مصوب ۱۳۵۶ و مواد ۴۱، ۴۲ و ۸۵ آ.ا.م.ا.ر.ل.^۴ پیش بینی شده است، بازداشت اموال منقول و غیرمنقول کلیه اشخاص اعم از دولتی و غیردولتی، در مراجع قضایی و ثبتی امکان پذیر می‌باشد. لذا، در امور برخلاف قاعده، باید به قدر متیقن عملکرد. اما چنانچه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی به اشخاص دیگر بدهکار باشند، به لحاظ حفظ منافع گروهی یا جمعی و به عنوان مرجع خدمات رسان به عموم مردم، بازداشت اموال دولتی با شرایطی خاص صورت می‌گیرد (مردانی و رودیجانی، ۱۳۸۵، ۲۱۳). مضافاً، این که عدم امکان بازداشت اموال دولت، مقید به موعده، و فقط تا یک سال و نیم (۱۸ ماه) بعد از صدور حکم است، پس از انقضاء این مدت، در صورتی که محکوم به وجه نقد باشد، اموال دولتی قابل بازداشت می‌باشد (جلالی، ۱۳۹۳، ۳۲۶).

در حقوق فرانسه اموال دولتی از قواعد حقوق خصوصی پیروی می‌نماید و اختلافات آن در دادگاه‌های قضایی رسیدگی می‌شود (Guettier, ۲۰۰۸, ۸۷). حق دولت نسبت به این اموال شبیه

^۱ Governmental property

^۲ Government

^۳ Classe gouvernante

^۴ Institutions gouvernantes

^۵ قانون اجرای احکام مدنی

^۶ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی مصوب سال ۱۳۸۷.

حق مالکیت افراد و اشخاص خصوصی است (طباطبائی مومنی، ۱۳۹۷، ۳۱۰). در این کشور، یکی از مالکین بزرگ اموال دولت است. این اموال تحت تملک موسسات، سازمانهای عمومی دولتی و وزارتخانه‌ها بوده و مسئولیت و مدیریت اموال و دارایی‌ها و بهینه‌سازی آنها را خود به عهده دارند (Berhlemy, ۲۰۱۳, ۳۶۲). زمانی که دولت جهت یک موسسه عمومی یا وزارتخانه خاص، مالی را تملک می‌نماید، رئیس آن موسسه یا وزیر آن وزارتخانه مسئولیت مدیریت دارایی‌های تملک شده دولت را بر عهده می‌گیرد (Kaganova, ۲۰۰۶, ۳).

در نظام حقوقی فرانسه عدم بازداشت اموال دولتی قبل از صدور حکم قطعی مورد پذیرش و شناسایی قرار گرفته است (Delaubadrere, ۲۰۰۱, ۳۴). ولی بازداشت اموال دولتی در اجرای محکوم به، همانند اشخاص حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی، امکان‌پذیر می‌باشد (Long, ۲۰۰۵, ۱۷). برابر ماده ال ۱۱۲-۱ کد آیین دادرسی مدنی اجرا «بازداشت اموال، شامل کلیه دارایی‌های متعلق به بدهکار، حتی در اختیار اشخاص ثالث است». اما برابر ماده ال ۱۱۱-۱ «اجرای اجباری و اقدامات احتیاطی از جمله بازداشت اموال، در مورد اشخاصی که از مصونیت اجرایی برخوردار هستند، مثل دولت، قبل از صدور حکم قطعی قابل اجرا نمی‌باشد».

در حقوق اسلام، تقسیمات متعددی برای اموال در نظر گرفته شده است. در فقه شیعه مالکیت را در مورد اموال دولتی جاری می‌دانند و، بر خلاف اموال عمومی، حکومت اسلامی دارای حق مالکیت و اختیارات بیشتر نسبت به این اموال می‌باشد، همانند اموال ملت یا امت اسلامی. هر چند عده‌ای از فقهاء ماهیت رابطه حاکم اسلامی با همه اموال عمومی را ولایت می‌دانند و هیچ مالکیتی را برای حاکم اسلامی قائل نیستند (کرمی و میرید، ۱۳۹۹، ۲۱۵)، اما روایات زیادی از جمله: روایات سماعه بن مهران، محمد بن مسلم و ابی اسامه و.... دلالت بر تعلق اراضی موات، اراضی خراب و..... به امام دارد (حرعاملی، ۱۳۸۷، ۶۴/۲) و نظر رایج در میان فقهاء آن است که پیامبر اسلام (ص)، امام معصوم (ع) و ولی فقیه به نیابت از ایشان به عنوان مسئول حکومت و جامعه، اموالی در اختیار دارند که شرع آن‌ها را در اختیار ایشان قرار داده است (عمید زنجانی، ۱۳۹۵، ۳۳).

در فقه امامیه، تعلق اموال به امام، قطعاً از باب مالکیت شخصی امام نیست، بلکه از باب مالکیت او به اعتبار ریاست حکومت اسلامی است. به همین دلیل، برابر روایات به امام بعدی می‌رسد اما، برابر قوانین ارث، به وراثت غیر معصوم امام (ع) به ارث نمی‌رسد. مضافاً اینکه، امام علی (ع) در قضیه عقیل و غیر آن خود را مالک شخصی اموال دولتی نمی‌دانسته است (کنعانی، ۱۳۹۲، ۱۲۹). بنابراین، مالکیت انبیاء و امامان معصوم (ع) از باب مالکیت دولتی، سلطه و اشراف امام به عنوان نماینده دولت اسلامی است.

برخی از فقهاء، مطابق روایاتی که از پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) نقل شده است و

همچنین براساس حدیث صحیح کابلی، صراحتاً ضمن تصریح به مالکیت امام معصوم (ع)، اعیان را نیز از اسباب مالکیت ذکر کرده اند (انصاری، ۱۳۸۲، ۱۶۱/۲). لذا دلایل مالکیت دولت نسبت به بعضی از اموال، از جمله اراضی موات، در کلمات فقهاء همان دلایل وراثت زمین به صالحین است. بر این اساس، عده ای اشخاص از پیامبر اسلام (ص) تقاضای انفال کردند، آیه انفال نازل شد و از مالکیت اختصاصی اشخاص احتراز گردید (شیخ طوسی، ۱۳۶۴، ۱۲۷/۴). بعد از پیامبر اسلام (ص) نیز، مطابق احادیث وارده، این اموال متعلق به هر کسی است که والی و قائم به امور مسلمین باشد (حر عاملی، ۱۳۸۷، ۳۷۰/۶). در فقه عامه، مستند فقهای اهل سنت برای مالکیت دولت، حدیث نبوی «لیس للمراء الا ما طابت به نفس امامه» می باشد (بخاری، ۱۴۱۰، ۱۶۰/۱۰).

بنابراین، در حقوق اسلام علاوه بر شناسایی اموال دولتی، بر حفظ حقوق دولت و رعایت حقوق و مصالح مسلمین تاکید شده است. اما در نقطه مقابل، چنانچه حکومت یا دولت اسلامی از پرداخت بدهی خود به اشخاص حقیقی یا حقوقی (بستانکار و محکوم له) استنکاف نماید، حقوق دولت با حقوق اشخاص دیگر در تعارض قرار می گیرد و، در نتیجه، بحث مسئولیت دولت مطرح می گردد. حضرت علی (ع) در نهج البلاغه درخصوص حاکم و والی فرموده اند: هیچ فرقی بین رعیت و حاکم نیست، الا اینکه مسئولیت والی سنگین تر است (طباطبایی، ۱۳۸۶، ۱۱۵).

هر چند در بررسی مسئولیت دولت و مسائل مربوط به آن، به دلیل عدم حضور فقهاء در حاکمیت، موضوع به صورت جامع توسط ایشان بررسی نشده است، ولی در مواردی تحت عنوان ضمان مورد بحث قرار گرفته است، گرچه بحث ضمان در حقوق اسلام، عام تر از مسئولیت دولت است. فقهاء عناوین دیگری چون ضمان مقبوض به عقد فاسد، ضمان مقبوض بالسوم و غیره را، که خارج از قلمرو مسئولیت دولت است، تحت عنوان موجبات ضمان مطرح کرده اند. ضمن آن که قاعده تسبیب یا بالاضرر، به عنوان مهمترین قواعد فقهی و حقوقی، به لحاظ آثار، فوائد و ثمرات بسیاری که دارد، مانع از ورود خسارت بیشتر به متضرر خواهد شد. زیرا، طبق قاعده کلی، در صدق تسبیب سلبی یا تسبیب دولت از طریق ترک فعل پرداخت بدهی خود، هر کس در انجام وظایف شرعی یا تعهدات ناشی از قراردادهای خود کوتاهی نماید و بر اثر آن ضرر و زیان کلی یا جزئی، مالی یا جانی به دیگران برسد، ضامن است (عمید زنجانی، ۱۳۹۵، ۱۲۷).

بنابراین، از مفهوم شناسی قاعده تسبیب فهمیده می شود که این قاعده، به عنوان یکی از موجبات ضمان بوده و چنانچه شخصی سبب ورود ضرر و زیان به دیگری شود، به طوری که از نظر عرف بتوان ورود ضرر را به مسبب اسناد داد، وارد کننده ضرر ملزم به جبران آن می باشد (محقق اردبیلی، ۱۳۷۹، ۲۸۰). در نتیجه، اگر دولت با عدم پرداخت بدهی خود سبب ایراد خسارت به اشخاص گردد، دولت مسبب طبق مبنای اکثر فقهاء، خصوصاً امام خمینی (ره)، ملزم به جبران ضرر وارده است (موسوی بجنوردی، ۱۳۹۸، ۳۹). هر چند حفظ حقوق عامه امری ضروری و بدیهی می باشد، اما

بازداشت اموال شخصی دولت و به تعبیری بعضی از اموال دولتی، چون قابلیت تملک را دارند، برخلاف اموال عمومی که علی‌الاصول قابلیت تملک را ندارند، از نظر بعضی از فقهاء جایز است، تا به این وسیله دولت مجبور و ملزم به اداء دیون و پرداخت بدهی خود گردد (خرازی، ۱۳۹۸، ۳۹).

در ضمن، بازداشت اموال لزوماً انتقال مادی یا حقوقی مالکیت محسوب نمی‌گردد و قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت برای مدت یکسال و نیم، بازداشت اموال دولت و دولتی را ممنوع اعلام کرده است. لذا، در صورتی که دولت، بعد از سپری شدن مدت فوق، نسبت به تأمین اعتبار و پرداخت بدهی اقدام نکند، اموال منقول و غیر منقول دولت بدهکار یا محکوم علیه قابل بازداشت می‌باشد.

با توجه به استفتائات به عمل آمده از دفتر و محضر بعضی از فقهای حاضر یا معاصر، عده ای از فقهای عظام همانند حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی، بازداشت اموال دولت و دولتی را جایز ندانسته و معتقداند که خسارت باید از بیت المال تأمین شود/ برخی از فقهای عظام دیگر همانند حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی و حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی بازداشت اموال دولت و دولتی را، در صورتی که تنها راه ممکن باشد و مفسده‌ای نداشته باشد، جایز می‌دانند. حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی نیز بیان فرموده اند: استیفاء دین از اموال بدهکار و یا بازداشت اموال وی براساس ضوابط شرعی است و شرعاً شامل دولت و شخصیت‌های حقوقی و اموالشان نیز می‌شود.

با توجه به این که ماده واحده در سالهای جنگ تحمیلی به تصویب رسیده، در زمان خود از ضروریات و به مصلحت بوده است. اما استثناء بر اصل تساوی و عدالت تلقی می‌گردد. نظر به این که در حقوق سایر کشورها، از جمله فرانسه، دولت بدهکار در پرداخت بدهی خود هیچ تفاوتی با اشخاص دیگر ندارد، و در حقوق اسلام نیز دولت هیچ برتری بر ملت خود ندارد، لذا شایسته است که ماده واحده اصلاح و تبصره ۳ به شرح زیر به آن اضافه و الحاق گردد: تبصره ۳: «دوایر اجرای احکام دادگاه‌ها و اجرای ثبت مکلف اند، جهت بررسی و شناسایی اموال و وجوه دولت بدهکار، از طریق سامانه سهام قوه قضاییه، ثبت آئی سازمان ثبت، شورای هماهنگی بانکها، ذیحسابی و حسابداری ادارات دولتی، ردیف بودجه در قسمت دیون بلامحل و غرامت، از محل درآمد عمومی و جز آن، برابر قانون محاسبات عمومی، اقدام نمایند، تا بدهی‌های دولت از این محل‌ها جبران شود و مطالبات مردم بلاوصول باقی نماند».

۲- عدم امکان بازداشت اموال عمومی

در قانون نحوه پرداخت محکوم به دولت، به عدم بازداشت اموال عمومی اشاره‌ای نشده است. اما اجرای قاعده حمایتی عدم امکان بازداشت اموال عمومی، به لحاظ اصل غیر قابل تملک و واگذاری بودن این دسته از اموال، امری ضروری می‌باشد (کاتوزیان، ۱۳۸۸، ۶۲). زیرا هدف از شناسایی قاعده فوق، ضمن حفظ و جلوگیری از اتلاف این دسته از اموال، حمایت از نهادهای عمومی در ارائه صحیح

خدمات‌رسانی و ایفای وظایف قانونی است (سپهری و رستمی، ۱۳۸۹، ۱۴). اگر قانونگذار به عمد درباره «قاعده عدم بازداشت اموال عمومی» سکوت کرده باشد، این سکوت قابل توجیه نیست، زیرا قانون دیگری وجود ندارد تا از عدم بازداشت اموال عمومی حمایت نماید (آقایی طوق و لطفی، ۱۳۹۶، ۱۷۱). پس، بازداشت اموال در صورتی میسر است، که نقل و انتقال آنها امکان پذیر باشد. با فرض این که این دسته از اموال غیر قابل فروش و تملک خصوصی باشند، بازداشت آنها در اجرای احکام و اسناد، منفعت و حاصلی در پی نخواهد داشت (Garcia y Lopez, ۲۰۰۶، ۵).

بنابراین، باید اموال عمومی همچون موزه ها، راه‌ها، پل‌ها و رودخانه‌ها را تا زمانی که وصف عمومی دارند، مطلقاً غیر قابل بازداشت دانست (Navarro, ۲۰۰۵، ۱۸۵) و گذشت زمان یا قطعیت احکام نمی‌تواند به بازداشت آنها منتهی شود. زیرا حفظ بسیاری از اموال عمومی مورد استفاده مستقیم مردم (عدل، ۱۳۷۸، ۵۵)، که اشخاص حقوقی حقوق عمومی و دولت دارای ولایت نسبت به آنها می‌باشند (امامی، ۱۳۹۱، ۳۵)، یک امر ضروری و شناخته شده می‌باشد. مضافاً این که، ماده ۲ آیین نامه اموال دولتی مصوب ۱۳۷۲ در تعریف اموال دولتی، اموال عمومی را نیز مد نظر قرار داده است. این ماده، در پرتو ماده ۱۱۵ قانون محاسبات عمومی مصوب ۱۳۶۶ ناظر بر اموال عمومی و دولتی بوده، که فروش برخی از اموال را ممنوع اعلام کرده است.

در نظام پادشاهی فرانسه، با وجود نظام اموال و ثروت‌های سلطنتی، عملاً تفکیکی میان اموال عمومی و دولتی وجود نداشت. اما پس از انقلاب فرانسه، ضمن استقرار اصول جدید، قوانین نسبتاً زیادی نسخ شد (عرفانی، ۱۳۹۶، ۲۶) و اصول حاکم بر اموال عمومی تابع نظام حقوق اداری اموال و نیز قانون مدنی گردید. در مواد ۵۳۸ تا ۵۴۱ و ماده ۲۲۲۶ قانون مدنی فرانسه قواعدی برای اموال عمومی و محدودیت‌هایی برای مالکیت عمومی مقرر شده است که، براساس آن، این دسته از اموال اصولاً مورد داد و ستد قرار نمی‌گیرند و قابل تملک خصوصی نیستند. اما با معیارهایی که در قرن بیستم مطرح شد، تنها اموالی که عموم مردم از آن استفاده می‌کردند جزء اموال و ثروت‌های عمومی به حساب می‌آمد (Gaudemet, ۲۰۰۲، ۲۱).

شعبه اول مدنی دیوان عالی کشور فرانسه در دعوای معروف (BRGM)، ضمن شناسایی قاعده «عدم امکان بازداشت اموال عمومی»، اعلام کرد: «در خصوص اموال متعلق به اشخاص عمومی، اصل غیر قابل بازداشت بودن اموال، مانع از اجرای احکام و اسناد خواهد شد» (آقایی طوق و لطفی، ۱۳۹۶، ۱۶۹). نهایتاً، در حقوق فرانسه برابر اصل ۳۴ قانون اساسی اصلاحی جدید، مالکیت ملت بر اموال عمومی مورد قبول واقع شده است. همچنین، در ماده ال ۱ - ۲۱۱۱ مجموعه قوانین مالکیت اشخاص عمومی مصوب ۲۰۰۶ میلادی، اموال عمومی مورد استفاده مستقیم عموم و اختصاص یافته به یک خدمت عمومی تعریف شده است. لذا، مطابق ماده ال ۱ - ۲۳۱۱ قانون جامع اموال اشخاص

عمومی فرانسه^۱، اموال عمومی غیر قابل بازداشت قلمداد شده اند.

در حقوق اسلام مجرای آیات قرآن مربوط به مالکیت عمومی، جنگ و صلح است. اموالی که در نتیجه جنگ بدست می آید، مانند زمین های مفتوح عنوه و غنیمت های جنگی جنبه مالکیت عمومی نداشته و بین مسلمانان تقسیم می شده است. اما اموالی که در نتیجه جنگ حاصل نشده، بلکه دشمن آنها را ترک کرده یا این که خود به مسلمانان تسلیم کرده، با خیل و رکاب فتح و تسخیر نشده باشد، انفال محسوب شده، جزء اموال عمومی است. ضمن این که نخستین بار اندیشه مالکیت عمومی در جنگ بدر و در میان مسلمانان رواج پیدا کرد (کنعانی، ۱۳۹۲، ۱۱۹).

هر چند زمین و منابع طبیعی (به عنوان بارزترین نمونه اموال عمومی) ملک خاص هیچ شخص (فرد و اجتماع) نیست و فقط سرپرست مسلمانان (امام، ولی امر)، بر حسب مصلحت، بر آن نظارت دارد اما، از سوی دیگر، امام می تواند بر برخی از اموال مالکیت داشته باشد (طالقانی، ۱۳۵۸، ۱۴۷). امام که نماینده مصالح عموم است، دارای حق نظارت و توزیع در اموال عمومی می باشد و به عنوان زمامدار، مکلف به نگهداری از آن است. زیرا ملت، مالک حقیقی اصل زمین و منافع آن هست (صدر، ۱۳۸۹، ۷۸).

چون برای خداوند نمی توان مالکیت اعتباری تصور نمود، نهایتاً، مالکیت حقیقی یا معنوی را می توان برای پیامبر اسلام (ص) و امام معصوم (ع) در نظر گرفت، که تعبیر دیگری از مفهوم ولایت بوده، و با مالکیت مصطلح در فقه و حقوق متفاوت است. ولایت ایشان در راستای اداره جامعه می باشد زیرا، براساس مصلحت عمومی، می تواند در اموال عمومی و حتی خصوصی تصرف نماید؛ امری که در سایر حکومت ها نیز مرسوم است (کرمی و میربد، ۱۳۹۹، ۲۱۶). امام خمینی (ره) در کتاب البیع می فرماید: ظاهر آن است که انفال نیز ملک پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) نباشد. آنچه در روایات آمده که انفال متعلق به ما می باشد، منظور این است که ایشان اولیاء در تصرف هستند. فقیه نیز در عصر غیبت، ولی امر تمامی چیزهایی است که امام ولی آن بوده است. همان گونه که خداوند مالک رقبه اموال عمومی به صورت مالکیت متداول نیست، پیامبر (ص) هم مالک آن نمی باشد (امام خمینی، ۱۳۸۸، ۶۶).

بنابراین، ماهیت این رابطه با اموال عمومی محل تامل است و با توصیف اموال عمومی، امکان بازداشت آن در حقوق اسلام وجود ندارد. در حقوق اکثر کشورهای اسلامی، اموال عمومی و اموال متعلق به دولت به مفهوم عام قابل بازداشت نمی باشد، از جمله: ماده ۷۱ قانون مدنی عراق، ماده ۲۳ قانون مدنی کویت، ماده ۸۷ قانون مدنی مصر، ماده ۶۳۶ قانون اجرای احکام مدنی و اداری الجزایر، ماده ۸۷ قانون مدنی لیبی و ماده ۹۰ قانون مدنی سوریه، که در همه این قوانین اموال عمومی و آن

^۱ Code General de la propriete des personnes publiques

دسته از اموالی که براساس عمل دولت یا حکم قانون برای استفاده عمومی اختصاص یافته اند، قابل بازداشت نمی‌باشد (السنهوری، ۲۰۱۰، ۱۰۲).

به این جهت، در فقه امامیه، گروهی از فقهاء ماهیت رابطه حاکم اسلامی با همه اموال عمومی را ولایت می‌دانند و هیچ نوع مالکیتی برای حاکم اسلامی قائل نیستند. البته، برخی از فقهاء اموالی را که در چارچوب مفهوم انفال قرار می‌گیرند، در مالکیت حکومت اسلامی می‌دانند و سایر اموال عمومی (مانند اموال امت) را تحت ولایت آن می‌دانند. اما، برخی از فقهای دیگر معتقدند که انفال نیز مانند دیگر اموال عمومی تابع ولایت حکومت اسلامی است. همین وضعیت در خصوص سایر اموال عمومی کاربری محور مانند راه ها، مدارس، کاروانسراها، بازارها، پارکها و غیره به چشم می‌خورد (طباطبائی قمی، ۱۴۲۶، ۳۶۲/۲، فاضل لنکرانی، ۱۳۹۱، ۲۵۴، علامه حلی، ۱۴۱۴، ۴۸، صافی گلپایگانی، ۱۳۷۴، ۲۶۲/۲، سیستانی، ۱۳۸۸، ۳۰۰/۲، وحید خراسانی، ۱۳۸۶، ۱۸۷، سیفی مازندرانی، ۱۳۷۳، ۹۶، خویی، ۱۳۶۹، ۱۶۲).

نظریه سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، نقطه عطفی در تاریخ نظریه شخصیت حقوقی اموال عمومی در فقه امامیه به حساب می‌آید. ایشان نخستین فقیهی است که به صورت برجسته و روشن مفهوم شخصیت حقوقی اموال، بالاحص اموال عمومی، را پذیرفته و به اجمال بر آن استدلال کرده است. زیرا، در آثار فقهای پیش از وی اراده ای مشاهده نمی‌شود تا بخواهد عنوان مستقلی را به صورت یک شخصیت حقوقی، که مالک عین و منافع مالی باشد، معرفی کند (فلاح و امیرزاده جیرکلی، ۱۳۹۹، ۲۳). مرور اجمالی به آثار فقهای بعد از ایشان نیز نشان می‌دهد که هم اکنون رویکرد محقق یزدی به عنوان نگاه غالب در آمده، به صورت مستقل مورد توجه و بحث های فقهای معاصر قرار گرفته است. براساس استقلال شخصیت حقوقی اموال عمومی از اداره کننده آن، کلیه منافع حاصل از دارایی‌های این شخصیت حقوقی مختص همان شخصیت است (حسینی حائری، ۱۳۸۱، ۷۹) و اداره کننده یا منتفع مجاز به صرف آن در اموری خارج از اهداف مقرر نمی‌باشد (شیرازی، ۱۳۷۷، ۴۲۵/۱)، به علاوه، حکومت و مردم نمی‌توانند این اموال را وثیقه دین خود قرار دهند.

با توجه به فلسفه عدم بازداشت اموال عمومی، که دچار مشقت و سختی نشدن نهادهای عمومی در ارائه خدمات و مدیریت صحیح امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی و غیره می‌باشد، به نحوی که گاه بازداشت اموال باعث تعطیلی امور عمومی (مغایر با اصل تداوم خدمات عمومی) و اختلال در امور اداری (مغایر با حسن جریان امور) می‌شود، به نظر فقهای متقدم، متاخر و جدید، بازداشت اموال عمومی مجاز نمی‌باشد.

براساس استفتائاتی که از دفتر و محضر بعضی از فقهای حاضر یا معاصر به عمل آمده است، عده ای از فقهای عظام از جمله حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی و حضرت آیت الله

نوری همدانی معتقداند که بازداشت اموال عمومی مطلقاً جایز نیست و عده ای از فقهاء چون حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی معتقداند که بازداشت اموال عمومی جایز نیست، اما خسارت بستانکار و محکوم له باید از بیت المال تامین و جبران شود. همچنین، حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی معتقدند که بازداشت اموال عمومی جایز نیست. البته، از نظر ایشان، این منع به عنوان حکم اولی است. بنابراین، ممکن است عنوان ثانوی در موردی حکم را تغییر دهد.

به منظور رفع مشکلات، ابهامات و موانع موجود، مناسب است تا موانع بازداشت اموال در قانون اجرای احکام مدنی و آیین نامه اجرا به صورت مصدق‌ی مورد تصریح قرار گیرد و در مورد اموال عمومی پیشنهاد می‌گردد ماده ای به شرح زیر به قانون و آیین نامه اجرا اضافه و الحاق گردد: «اموال عمومی و اختصاص یافته به عموم مردم مثل راه ها، پل ها، و... قابل بازداشت نمی‌باشد. بدیهی است، چنانچه واگذاری این دسته از اموال با تصویب مجلس شورای اسلامی، در چارچوب اصل ۸۳ قانون اساسی امکان پذیر شود، پس از واگذاری، قابل بازداشت خواهد بود».

۳- موانع یا محدودیت های بازداشت اموال شهرداری ها

امروزه گسترش شهرنشینی و رشد فزاینده شهرها، علاوه بر ضرورت ایجاد نهادهای نوین در اداره آن، مستلزم حمایت از حقوق شهر و شهروندان می‌باشد، که به اصل «رعایت حقوق شهروندی» مشهور است. شهرداری به عنوان یک نهاد عمومی غیر دولتی و خدمات‌رسان به عموم مردم، دارای وضعیت خاص می‌باشد. برابر اصل ترجیح حقوق عمومی و حفظ منافع عمومی، وجوه، اموال و املاک شهرداری ها، بجز موارد خاص و محدود، از بازداشت و توقیف مصون و محفوظ می‌باشد. در ماده واحده قانون راجع به منع توقیف اموال منقول و غیرمنقول متعلق به شهرداری ها مصوب ۱۳۶۱/۲/۱۴ به عبارت «وجوه و اموال متعلق به شهرداری ها» و «یا در تصرف شهرداری» اشاره شده است. مطابق این ماده واحده، قبل از صدور حکم قطعی، نمی‌توان وجوه و اموال متعلق به شهرداری ها را بازداشت نمود. اما، برابر مفهوم مخالف ماده واحده فوق الذکر، پس از صدور حکم قطعی، بستانکار یا محکوم له مجاز به بازداشت اموال شهرداری ها می‌باشد. چنانچه شهرداری ها «با داشتن امکانات لازم» و عدم پیش بینی در بودجه سال بعد، از پرداخت بدهی خود استنکاف نمایند، اموال و املاک آنها قابل بازداشت می‌باشد.

در مواردی که شهرداری ها، براساس احکام صادره از مراجع قضایی، به پرداخت وجوهی محکوم گردند، باید محکوم به از بودجه سال آتی شهرداری، و بدون احتساب خسارت تاخیر تادیه، پرداخت گردد. لذا، منع بازداشت اموال و وجوه متعلق به شهرداری ها یک قاعده مطلق نیست. از این رو، با جمع بودن شرایط خاص، بازداشت اموال شهرداری ها امکان پذیر است (رودیجانی، ۱۳۹۲، ۹۱). بدیهی است، حکم مندرج در ماده واحده قانون فوق الذکر، شامل اموال، دارایی ها و املاک سازمان ها و موسسات تابعه شهرداری ها مثل سازمان همیاری، فضای سبز و... نمی‌باشد، حتی اگر صد درصد

اموال آنها متعلق به شهرداری ها باشد.

در فرانسه واحد تقسیمات کشوری، کمون یا بخش نام دارد که می‌تواند شامل شهر یا روستا باشد. مدیریت یک بخش، شهر یا روستا بر عهده شورای شهر یا روستا و شهردار یا دهیار می‌باشد (عباسی، ۱۳۸۷، ۲۸). تاریخچه کمون‌های فرانسه از قرون وسطی آغاز می‌شود (Moreau, ۲۰۰۴، ۵۷). پادشاه شهردارها را انتخاب می‌کرد و کنترل خود را بر نمایندگان شاه و ناظران حکومتی اعمال می‌نمود (Dupis, ۲۰۰۷، ۲۶۱). اما انقلاب فرانسه با متحد الشکل کردن ساختارها، به نحو قابل توجهی تمرکز زدایی و تنوع‌پذیری در ساختار واحدهای محلی را دگرگون کرد. از آن پس، تمام واحدهای محلی کمون نامیده شدند (prudhomme, ۲۰۰۶، ۸۳).

در حقوق فرانسه، امور تامین اجتماعی، امداد پزشکی، کمک به سالخوردگان، تسهیلات کار، تسهیلات مسکن، تجهیز مدارس، تهیه و تامین تجهیزات عمومی شهرها، از قبیل مهد کودک‌ها، استخرها، کتابخانه‌های عمومی، موزه‌ها مراکز تفریحی از وظایف شهرداری‌ها است. همچنین، نظافت، روشنایی، کاهش یا حذف ترافیک و رفع خطر از بناهای در حال تخریب به عهده شهرداری‌ها است (بند ۳ ماده ۲ - ۲۲۱۲ قانون عمومی). بنابراین، با توجه به گستردگی فعالیت‌های شهرداری‌ها در فرانسه و نقش خدمات‌رسانی به عموم مردم، اموال شهرداری‌ها، جز در موارد خاص و آن هم با هماهنگی و موافقت مقام قضایی، قابل بازداشت نمی‌باشد.

در حقوق اسلام، شهر و شهرداری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. در صدر اسلام از جمله اقداماتی که نسبت به مدیریت شهری صورت پذیرفت، تشکیل دیوان وقف و دیوان حربه در شهر بود. وقف به فضاهایی برای دفاع از شهر، مراکز تعلیمی و آموزش، سنگرها، حمام‌ها، آبشخورها، راه‌ها، کاروانسراها و بازارها اختصاص داشت (نظریان، ۱۳۸۳، ۲۳۰). ارکان عمده شهر در این دوره دار الخلافه یا دارالحکومه، به جای کهن دژ در ایران است، که بعدها مجموعه ارگ را پایه‌ریزی کرد و در کنار مسجد جامع و بازار سه رکن اساسی شهر را به وجود آورد. شهرنشینی در دوران اسلامی، نوعی استمرار روند زندگی شهری در دوران قبل از آن محسوب می‌شد. در این دوره، شاهد ساختار جدیدی هستیم که مسجد قلب شهر است، لذا مکان‌های مسکونی بدون مسجد شهر به حساب نمی‌آید (خیرآبادی، ۱۳۷۶، ۸۷).

در آیات متعدد قرآن کریم، از جمله آیات ۳ و ۴ سوره ملک، ۱۴ حشر، ۷۴ اعراف، ۱۷ رعد، ۶۱ هود، و ۲۷ و ۶۹ بقره، به شهر، شهرنشینی و مدیریت شهری تاکید شده است. در خطبه ۱۳ نهج البلاغه، به توصیفات شهر و شهرداری از دیدگاه اسلامی اشاره شده است. ابن‌رامی، از معماران متبحر دوران اسلامی، در چارچوب احکام خمس و از دیدگاه فقهی، احکام ضرر در شهر اسلامی و آثار مخرب آن را در عمران از جمله دود، بوی بد، صداهای گوش‌خراش، حفظ فتوات، اصلاح آبریزگاه‌ها و کوچه‌ها تدوین کرد. او از اولین کسانی بوده است که به حفظ ارزش‌های زیست

محیطی در شهر اسلامی پرداخته است (کمیلی، زیاری، پوراحمد، حاتمی نژاد، ۱۳۹۲، ۱۵). همچنین، در حقوق اسلامی به فضاهای عمومی، که استفاده از آن جنبه عام المنفعه داشته است، در قالب وقف و صدقات جاریه، که ضامن تداوم شهرها بوده، تاکید شده است. دیوان وقف، اولین ساختاری بود که پیامبر (ص) در شهر به وجود آورد تا فضاهای عمومی دستخوش تصرف قرار نگیرد. تاکید به فضاهای وقفی در شهرها مثل مساجد، قبرستانها، معابر، بیمارستان ها و غیره، که متعلق به عموم مردم و شهروندان به شمار می‌آمدند (شهابی، ۱۳۴۳، ۲۰۳)، از تصرف، تملک خصوصی و بازداشت، که استفاده عموم مردم را در معرض خطر قرار دهد، مصون و محفوظ بوده است. در ساختار مدیریت شهری دوران اسلامی، در کنار حاکم یا امیر هر ولایت، کلانتر یا رئیس شهر قرار داشت، که پس از حاکم یا امیر، عهده دار مسائل و امور داخلی بود و تحت نظارت حاکم فعالیت داشت. رسیدگی به امور اجتماعی، اقتصادی و خدماتی، که امروزه در حیطه اختیار شهرداری هاست، به عهده او بود (اشرف، ۱۳۵۷، ۵). در نخستین سالهای هجرت، اشخاصی تحت عنوان محتسب، اختیارات گسترده‌ای از جمله امور مذهبی، اقتصادی، امر به معروف و نهی از منکر و... داشتند. محتسبان از میان عالمان و فقیهان برگزیده می شدند تا، به دلیل آشنایی با امور و احکام شرعی، بتوانند از عهده وظایف محوله برآیند.

مصادف با شکل گیری امپراطوری اسلامی در دوران بنی عباس، مسجد جامع از حکومت جدا شد، و به صورت یک پایگاه مردمی در آمد. زنده شدن مفهوم شهر ساسانی و شکل گیری مذهب شیعه از تحولات این دوره است که، در آن، مسجد جامع از حالت سادگی و بی پیرایگی اولیه در آمده و سیمای شهری خود را از محیط اطراف جدا ساخت. در دوران اسلامی شهرها از حیث اندازه به مصر، قصبه، مدینه و قریه تقسیم می شدند که بر مبنای وسعت شهرها و میزان استقلال و خود مختاری نهادها کاهش یافته و به حوزه‌ای بزرگ تر وابسته می شدند (مقدسی، ۱۳۶۸، ۶۴۶). وجود مسجد برای برگزاری نماز جماعت در روز جمعه، در شهرهایی که از جمعیت مناسبی برخوردار بودند، رفته رفته این مکان را در تشکیلات مدیریت شهرداری ویژه ساخت. با توجه به اینکه سکونت گاه‌هایی مقام شهر می یافتند که دارای مسجد آدینه باشند، می‌توان به اهمیت نقش مسجد در مدیریت شهری پی برد. ضمن آن که، در دوران اسلامی اداره امور اداری و سیاسی شهرها را به سه وجه سازمان‌های اجتماعی- اقتصادی، امور قضایی و امور انتظامی شهر می‌توان تقسیم کرد که، برای انجام امور هریک، مقام‌هایی تعیین می‌شد.

برابر آیه ۱۴ سوره حشر، مسلمانان مکلف به ایجاد استواری، استحکام، همبستگی اجزا و دژوارگی در شهرها یشان شده‌اند. این اصل باعث تقویت امنیت و اطمینان در شهر اسلامی می‌شود و رعایت آن در ساخت بنا و بافت شهری قابل پیاده سازی است. در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه و سایر احادیث در وصف جنات، قرار گرفتن شهر در جغرافیای طبیعی مناسب (میان باغ، بستان،

جویبارها، دشت های پهن و کوه ها) سرزمین عاری از لرزه، برخورداری از انبوه درختان، پیوستگی و نزدیکی به شهرها و آبادی ها، برخورداری از چشم انداز و مناظر زیبا، برخورداری از منابع آب فراوان، خاک خوش بو (اشاره به خطبه ۱۳ امیرالمومنین که خاک شهر بصره را بد بو ترین خاک و از همه جا نزدیک تر به آب و دور از آسمان می داند)، وجود راه ها و جاده ها، آب، فاصله مناسب از دریا از جمله توصیفات شهر در دیدگاه اسلامی است.

بنابراین، شهر، شهرداری و تشکیلات مدیریتی شهرها در اسلام از جایگاه ویژه ای برخوردار است. به رغم این جایگاه ممتاز، به نظر می رسد که در متون و آثار فقهای متقدم اشاره ای صریح به منع یا جواز تامین و توقیف اموال شهرداری ها وجود ندارد و حتی پرس و جو از برخی از علماء و اهل نظر، از حوزه و دانشگاه، در این باره هیچ پاسخ مستندی را به همراه نداشت. گرچه می توان با توسل به برخی از عمومات، همچون قاعده "الضرورات تبيح المحضورات" نظر ضمنی فقهای متقدم را در این خصوص، به ویژه با توجه به اهمیت مدیریت شهری در اسلام و عدم جواز هرگونه اختلال و یا اختلال در این حوزه که ای بسا اداره تشکیلات شهری را با چالش و تعطیلی مواجه سازد، استنباط نمود و آن این که، وجوه و اموال شهرداری ها و آنچه در تصرف شهرداری ها یا نزد اشخاص ثالث است، جز در موارد خاص قابل تامین یا بازداشت نمی باشد.

در آثار فقهای حاضر نیز دسترسی به پاسخ سوال مورد نظر مشاهده نگردید و، از این رو، از محضر و دفتر بعضی از فقهای حاضر یا معاصر سوال و استفتاء به عمل آمد که آیا بازداشت و توقیف اموال متعلق به شهرداری ها در قبال بدهی آنها جایز و صحیح است یا خیر. عده ای از فقهای عظام همانند حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی معتقدند: چنانچه اموال متعلق به شهرداری ها مربوط به همان قسمتی باشد که بدهکار است، مانعی ندارد و جایز است. اما برخی از فقهای عظام همانند حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی و حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی معتقداند که بازداشت اموال متعلق به شهرداری ها در قبال بدهی آنها به لحاظ منشاء خدمات رسانی به عموم مردم جایز نیست. حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی معتقداند که هر چند در مورد بازداشت اموال بعضی از شخصیت های حقوقی مثل شهرداری ها مناقشه وجود دارد اما، در نهایت، بازداشت اموال شهرداری ها جهت استیفاء دین جایز و براساس ضوابط شرعی است.

بنا به مراتب پیش گفته، چون بازداشت لزوماً تصرف، فروش و انتقال حقوقی یا مادی اموال نمی باشد، افزودن یک تبصره به شرح زیر به ماده واحده می تواند رافع این مانع و چالش باشد: «دوایر اجرای احکام دادگاه ها و اجرای ثبت مکلف اند ضمن بررسی بودجه مصوب، کسب اطلاع از وجوه و حساب های شهرداری ها، از طریق سامانه های موجود اعم از سهام و ثبت آئی و..... اموال آنها را مورد شناسایی قرار دهند تا واقعیت امر مشخص شده، موجب تاخیر در احقاق حق و نارضایتی بستانکاران نگردد».

۴- ممنوعیت بازداشت اموال سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های خارجی

مطابق قواعد بین‌المللی یکی از موانع بازداشت اموال بدهکاران، وجود محل ماموریت یا اقامت مامورین سیاسی و کنسولی کشورهای بیگانه و منع توقیف سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها می‌باشد. طبق کنوانسیون ۱۹۶۱ وین راجع به روابط دیپلماتیک (مثلاً، مواد ۲۲، ۲۴ و ۳۰) و کنوانسیون وین ۱۹۶۳ راجع به روابط کنسولی (مثلاً، مواد ۲۷، ۳۱ و ۳۳) سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها از جهات مختلف از مصونیت برخوردارند. این بدان معنا است که کشور میزبان باید کلیه تدابیر لازم جهت محافظت از اماکن دیپلماتیک و کنسولی و اسناد آنها و ... از هر حیث به عمل آورد.

ماده ۲۱ کنوانسیون وین ۱۹۶۱ به «محل ماموریت یا سفارتخانه» و مواد ۲۲ تا ۲۸ معاهده مذکور به انواع مصونیت‌ها و معافیت‌ها می‌پردازد. کشور پذیرنده موظف است همه تدابیر را به کار برد، تا مکان‌های ماموریت مورد تجاوز و خسارت قرار نگیرد. این اماکن، اسباب موجود در آن و خودروهای متعلق به ماموریت، از تفتیش، توقیف یا اقدامات اجرایی مصون خواهند بود (بند ۳ ماده ۲۲ کنوانسیون وین ۱۹۶۱). همچنین در مواردی که ملک محل سفارتخانه به نام دولت خارجی و تحت عنوان سفارتخانه ثبت دفتر املاک شده باشد، مشمول مصونیت از توقیف در مراجع اجرایی و ادارات ثبت خواهد شد. مضافاً اینکه، چنانچه مامور سیاسی برای مقاصد ماموریت، محل اقامت خصوصی در تصرف و مالکیت داشته باشد، نمی‌توان ملک مذکور را بازداشت نمود. البته، در روابط بین‌المللی، عدم بازداشت اموال دیپلماتیک و کنسولی دولت‌های خارجی غیر مشروط بوده، منوط به شرط «عمل متقابل» نمی‌باشد. این منع که ریشه در حقوق عرفی بین‌المللی دارد، خیلی دیر در معاهدات ۱۹۶۱ و ۱۹۶۳ وین تدوین گردید.

لازم به ذکر است، در ایران، در صورتی که دولت خارجی در قوانین کشور خود برای اموال و املاک دولت ایران مصونیت در نظر گرفته باشد، دولت ایران نیز در قبال اموال و املاک آن کشور در خاک خود، این مصونیت را در نظر می‌گیرد و به صورت رفتار متقابل یا رفتار عملی این موضوع را اجرا می‌نماید در غیر این صورت، در اجرای قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی مصوب ۱۳۷۸/۸/۱۸ و اصلاحات و الحاقات بعدی مصوب ۱۳۷۹/۸/۷ و ۱۳۹۰/۱۲/۱۷ به طور متقابل عمل نموده و نسبت به بازداشت اموال و املاک آن دولت اقدام خواهد کرد. البته اموال دیپلماتیک و کنسولی که طبق معاهدات بین‌المللی مصونیت دارند، از این جواز مستثنی می‌باشند. (ماده ۹)

در کشورهایی مانند فرانسه رژیم مصونیت مطلق دولت به رسمیت شناخته شده است، که براساس آن، بازداشت اموال متعلق به یک قدرت خارجی یا سازمان‌های عمومی فرا ملی یا بین‌المللی، جز در موارد خاص، امکان‌پذیر نیست (رستمی و عامری، ۱۳۹۵، ۳۱). با دقت در مواد ۱-۱۱ تا ۳-۱۱۱ کد آیین دادرسی مدنی اجراء، در واقع مواد جدید بیشتری اجرای اقدامات

اجباری علیه کشورهایی که توسط دولت فرانسه محکوم شده‌اند را تنظیم می‌کند و از رای دادگاه یا رای داوری در مورد اموال آنها و در برابر هر گونه تصرف و توقیف محافظت می‌کند. بنابراین، طرفی که حکم داوری را در محکومیت یک کشور خارجی به دست آورده است، مستقیماً نمی‌تواند به اجرای حکم مبادرت نماید. زیرا هرگونه تصرف املاک متعلق به کشور مذکور واقع در خاک فرانسه باید با دستور صادره توسط قاضی صورت پذیرد (Dodd, ۲۰۰۶, ۱۱۷). برابر ماده ال ۱۱۱-۱ کد آیین دادرسی مدنی اجرا و دستورالعمل شماره ۲۰۱۱-۱۸۹۵: «اجرای اجباری و اقدامات احتیاطی در مورد افرادی که از مصونیت اجرا برخوردار هستند، قابل اجرا نیست» و در بند ۲ ماده ال ۱۱۱-۱ موارد استثناء از مصونیت اموال و دارایی‌های کشورهای خارجی در خاک فرانسه بیان شده است.

در آغاز و پیش از تنظیم قواعد حقوق بین‌الملل، برای یک دوره طولانی، مقررات دینی بر روابط دیپلماتیک حکم فرما بود. روابط دیپلماتیک به طور خاص و روابط بین‌الملل به طور عام ثمره تمدن‌ها و ادیان گوناگون هستند (الشامی، ۱۹۹۴، ۱۶۷). اسلام، به عنوان یکی از ادیان توحیدی و ابراهیمی، با داشتن بیش از یک و نیم میلیارد مسلمان، به عنوان آخرین، کامل‌ترین و جامع‌ترین دین در تامین سعادت بشری، مصالح دنیوی و اخروی انسانها ست و حضرت محمد (ص) به عنوان آخرین سفیر الهی و یکی از نوادر تاریخ می‌باشد. لذا، با توجه به بیداری جهان اسلام و گسترش روابط دیپلماتیک و کنسولی کشورهای اسلامی، بحث سفارت و سفارتخانه از جایگاه ویژه‌ای در حقوق اسلام برخوردار است. کشورهای اسلامی با عضویت در سازمان ملل متحد، براساس اصل رفتار متقابل، مقابله به مثل و احترام به قراردادهای برابر آیه ۱ سوره مائده (یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود)، خود ملزم به رعایت معاهدات و پیمانهای بین‌المللی هستند.

پیامبران، به عنوان رسولان و سفیران الهی، در توسعه روابط اجتماعی، بین‌المللی و ترویج فرهنگ عدالت خواهی در بین مردمان جهان نقش برجسته ای داشته‌اند (لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم...). پیامبر اسلام (ص) به عنوان رئیس حکومت اسلامی، در راستای انجام وظایف سیاسی دولت اسلامی و در زمینه انتخاب سفیران و اعزام آنها به مناطق دیگر جهان مثل ایران، روم، حبشه و ... و پذیرش سفیران دیگر کشورها در عرصه روابط بین‌المللی اقدامات بسیار ارزنده ای را انجام داده‌اند.

در حکومت اسلامی و در صدر اسلام، پذیرش سفیران همراه با تشریفات خاص و آداب اسلامی انجام می شده است. پیامبر (ص) سفیران خارجی را در مسجد بزرگ مدینه در جایی که معروف به اسطوانه الوفود (ستون سفیران) بوده و هنوز هم باقی است، به حضور می پذیرفت (جعفریان، ۱۳۹۰، ۴۳). تعداد ۷۱ نمونه از وفود (هیات‌های نمایندگی) در دوران رسالت و چگونگی مذاکرات و اهداف آنها به ثبت رسیده است (عزیزی، ۱۳۹۶، ۸۲). هم چنین، در دوران جاهلیت و قبل از آغاز بعثت پیامبر (ص)، یکی از پست‌های مهم اداری مکه سفارت، یعنی اعزام نمایندگان و سفیران برای انجام

مذاکرات صلح و جنگ یا اظهار تفاخر قریش در برابر اقوام دیگر بود. این منصب را بنی عدی به دست داشت و آخرین مسئول آن در جاهلیت عمر بن خطاب بود. در مدت رسالت پیامبر اسلام، سفیران از احترام و مصونیت کامل برخوردار بودند. دارالضیافات (مهمان سرا) مخصوص پذیرایی سفیران وجود داشت و سفیران بدون هیچ محدودیتی پیامشان را ابلاغ می‌کردند (سعیدی، ۱۳۸۲، ۱۸۴). این سیره در زمان خلفاء نیز ادامه پیدا کرد.

بنابراین، اسلام از همان آغاز نسبت به تبیین موضع خود در برابر دیگر ملل توجه ویژه داشته، بیش از ۳۵۰ آیه قرآن به بیان این نکته پرداخته است. متن پیمان‌هایی که به وسیله شخص رسول الله (ص) با گروه‌های مختلف از اهل کتاب و مشرکان تدوین شده، مهمترین منبع فقه اسلامی در مسائل بین‌المللی است (ابراهیمی، ۱۳۹۶، ۲۷/۲). حقوق اسلامی، نظامی اصیل بوده، وام گرفته و نشأت یافته از هیچ نمونه بیگانه‌ای نیست. اصالت نظام حقوق اسلامی در "کنفرانس بین‌الملل حقوق تطبیقی" که در سال‌های ۱۹۳۲ و ۱۹۳۷ میلادی در لاهه برگزار گردید، تأیید شد. در این اجلاس ثابت شد که نظام حقوق اسلامی، نظامی قائم به خویش است و تمدن شکوهمند اسلامی به همراه نظام فقهی - حقوقی آن، دو چهره عمده در سپهر تمدن بشری و سیستم حقوقی اصیل جهان (به همان معنایی که در ماده ۹ اساسنامه دیوان دایمی دادگستری بین‌المللی آمده است) محسوب می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۲۴، ۳۲).

نمایندگان دیپلماتیک و محل استقرار نمایندگان در حقوق اسلام از مصونیت‌ها و مزایای خاص، مشابه آنچه در حقوق بین‌الملل نوین پذیرفته شده است، برخوردارند. حضرت محمد (ص) شخصاً این مصونیت‌ها را به فرستادگان دیپلماتیک اعطاء فرمود. فقهای اسلام مصونیت‌های دیپلماتیک را به عنوان یک قاعده شناخته‌اند، که شامل حمایت قانونی کامل از مامور و اموال محل ماموریت او طی اقامت در سرزمین اسلامی و در امان بودن وی هنگام عزیمت بود. فقهای امامیه نیز، برای سفیران و سفارتخانه‌ها مصونیت قایل هستند و معتقدند که سفیر باید به گونه‌ای در امان بوده، مصونیت داشته باشد تا بتواند پیامش را برساند، عقاید خود را ابزار کند و هیچ خوفی نداشته باشد (منتظری، ۱۳۷۴، ۲۳۷).

مصونیت سفیران و سفارتخانه‌ها، علاوه بر قاعده امان، می‌تواند به روایات خاص هم مستند باشد (نوی المسمی، ۲۰۰۷، ۹۸). مضافاً این که، در آیات ۴۰ سوره حج و ۸۲ سوره مائده میان مساجد، سایر معابد و اماکن، از جمله سفارتخانه، از حیث مصونیت آنها فرقی وجود ندارد. آراء و نظریات اکثریت فقهاء علاوه بر نص کتاب خدا، مبتنی بر سنت پیامبر (ص)، خلفای او و عمل اصحاب است. ابوبکر اولین خلیفه رسول خدا (ص) بر این سنت نبوی تأکید کرد و معابد، کلیساها، کنیسه‌ها و محل اقامت سفیران را از تعرض مصون دانسته است. اکثریت فقهای حنفی و اقلیتی از فقهای ظاهری مذهب، شافعی و مالکی نیز این مصونیت‌ها را پذیرفته‌اند. همچنین، در سیر تحول روابط

دیپلماسی در جوامع اسلامی، انعقاد قراردادهای کنسولی (کاپیتولاسیون) توسط دولت عثمانی با کشورهای فرانسه و انگلیس قابل تامل است.

نظر به اینکه مساله سفارت در حقوق اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد، سفیران دیگر کشورها در سرزمین‌های اسلامی از مصونیت کامل برخوردار بوده‌اند و، به شرط رفتار متقابل دولت متبوع آنان، سفارتخانه‌ها از پرداخت عوارض، مالیات و حقوق گمرکی معاف بوده‌اند. حتی در مواردی که سفیر یا فرستاده‌ای خارج از محدوده وظیفه خود عمل کرده اند، پیامبر اسلام (ص) اجازه تعرض به آنان را نمی‌داده است، مثل سفیران مسیلمه کذاب (عزیزی، ۱۳۹۶، ۸۵). بدیهی است با توجه به سوابق تاریخی، رفتار و سیره پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) و دیگر حاکمان اسلامی و نظر فقهای متقدم و متاخر، اماکن و سفارتخانه‌های کشورهای دیگر در سرزمین‌های اسلامی از بازداشت مصون و محفوظ بوده‌اند.

مطابق سوالات و پرسش‌هایی که از دفتر و محضر تعدادی از فقهای حاضر یا معاصر به عمل آمده و استفتاء شده است، از جمله حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی و حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی و حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی، همگی اتفاق نظر دارند که بازداشت محل اقامت یا ماموریت مامور سیاسی کشورهای بیگانه مثل سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌ها جایز نمی‌باشد.^۱

لذا، الحاق یک ماده به این شرح به قانون و آیین نامه اجرا ابهام موجود را رفع خواهد کرد: «سفارتخانه‌ها، کنسولگری‌ها و محل اقامت یا ماموریت مامورین سیاسی کشورهای خارجی واقع شده در ایران، و نیز بقیه اماکن بیگانه، البته به شرط عمل متقابل، مصون از بازداشت است. فهرست دولت‌های مشمول عمل متقابل یا ناقض مصونیت‌های قضایی دولت جمهوری اسلامی توسط وزارت امور خارجه تهیه و به قوه قضاییه و سازمان ثبت اعلام می‌شود».

۵- موانع بازداشت اموال مشمول مستثنیات دین

مستثنیات دین دارای ریشه‌های تاریخی، دینی و مذهبی می‌باشد. چرا که در تمام ادیان، مذاهب و نظام‌های حقوقی، حیثیت، جان، ناموس، آبرو و اموال اشخاص مصون از تعرض بوده است. قانونگذاران، در تدوین قوانین، این باورها را مد نظر قرار داده و اموال خاصی را از فروش و بازداشت استثناء نموده‌اند. قانونگذار کشور ما نیز در قوانین، مقررات و آیین نامه‌های مختلف، در وضع قواعد مربوط به مستثنیات دین، به شان، کرامت و شرافت بدهکار و متعهد توجه داشته و نخواسته است از طریق بازداشت یا فروش این قبیل اموال برای وصول طلب بستانکار و محکوم له، کرامت، شرافت و

^۱ پاسخ استعلام از دفتر حضرات آیات عظام فاضل لنکرانی، نوری همدانی، ناصر مکارم شیرازی و شبیری زنجانی که تحت شماره‌های ۹۸۰۴۸۰-۱۴۰۰/۰۳/۰۸ و ۲۳۳۷۴-۱۴۰۰/۰۳/۰۵ و ۶۵۶۱۹۴-۱۴۰۰/۰۳/۰۴ و ۱۵۲۹۳-۱۴۰۰/۰۳/۰۴ ثبت ورودی دفتر شده و پاسخ در هامش نامه‌ها قید شده است.

ارزش انسانی محکوم علیه، مدیون، یا خانواده و اشخاص واجب‌النفقه آنها لکه دار شده، بیکار، بی‌توشه و بدون منزل شوند و در اجتماع خوار و رسوا گردند.

در ایران، اولین قانون و مقرر ای که در آن از مستثنیات دین بحث شده است، قانون اصول محاکمات حقوقی ۱۳۹۰ است (قنبری، ۱۳۶، ۲، ۸۸). مطابق ماده ۶۳۰ قانون مذکور، اشیاء مفصله ای جزء مستثنیات دین شناخته شده و بازداشت نمی‌شد. به موجب تبصره ماده ۴۳۹ قانون تجارت، مصوب سال ۱۳۱۱، مستثنیات دین از مهر و موم معاف دانسته شده و مصادیق آن در مواد ۴۴۴ و ۴۴۷ بیان شده است. همچنین، در مواد ۱۶ و ۲۱ قانون اداره تصفیه و امور ورشکستگی مصوب ۱۳۱۸/۴/۲۴ قانون گذار صراحتاً از واژه مستثنیات دین استفاده نموده است. در مواد ۴۷، ۶۹ و ۶۱ آئین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا مصوب سالهای ۱۳۲۲، ۱۳۵۵ و ۱۳۸۷ نیز به مستثنیات دین اشاره شده، مصادیق آن بیان شده است. مضافاً، این که در ماده ۶۵ ق.ا.ا.م، ماده ۲۱۲ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶، قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی مصوب ۱۳۷۷ و ۱۳۹۴ و ماده ۵۲۴ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و سایر قوانین و مقررات قانونی به موضوع مستثنیات دین اشاره شده است، که از موانع اجرای حکم و سند لازم‌الاجرا تلقی می‌گردد.

در حقوق فرانسه نیز مستثنیات دین پذیرفته شده و آن حقی است که توسط قانون به شخص مدیون اعطاء می‌شود. براساس این حق، وی مجاز خواهد بود قسمتی از اموال را از بازداشت و، نهایتاً، حراج و مزایده معاف نماید و به عنوان مستثنیات دین معرفی نماید. لذا، تا زمانی که مستثنیات دین وجود دارد، حق انتفاع از مستثنیات دین باید از طرف دادگاه و مراجع قضایی مورد حمایت قرار گیرد. این وتو، محدود، مضیق و منحصر به مواردی است که در قوانین تعیین گردیده است (رستمی و عامری، ۱۳۹۵، ۲۲).

در حقوق فرانسه بازداشت کلیه اموال و دارایی‌های متعلق به بدهکار، حتی اگر در اختیار اشخاص ثالث باشد، مطابق ماده ال ۱۱۲-۱ کد آیین دادرسی مدنی اجرا امکان پذیر می‌باشد. همچنین، بازداشت اموال ممکن است مربوط به بدهی‌های مشروط، مدت دار یا عملکردهای متوالی باشد. اما برابر ماده ال ۱۱۲-۲ کد آیین دادرسی مدنی اجرا، بازداشت تعدادی از اموال بدهکار یا محکوم علیه، مثل مبالغ و حقوق بازنشستگی از نوع نگهداری، یا اشیایی که برای افراد معلول ضروری می‌باشد، یا برای مراقبت از افراد بیمار در نظر گرفته شده است قابل بازداشت نیست. در ضمن، برابر ماده ال ۴-۱۱۲ کد آیین دادرسی مدنی اجرا، بدهی‌های غیرقابل بازرسی که مبلغ آن به حساب واریز می‌شود، تحت شرایط پیش بینی شده توسط مصوبه شورای دولتی از تصرف و بازداشت معاف بوده و از مستثنیات دین شناخته شده است.

در دین مبین اسلام نیز، مستثنیات دین به عنوان یکی از موانع بازداشت اموال بدهکاران معرفی شده است. حقوق کشور ما دارای ریشه مذهبی، دینی و شرعی می‌باشد. در حقوق اسلام و فقه شیعه،

منابع حقوق کتاب (قرآن)، سنت، اجماع و عقل است. لذا، اولین و اساسی‌ترین منبع آیات نورانی قرآن کریم می‌باشد که، به عنوان منبع فیاض و هدایت‌گر، همیشه پویا و زنده بوده، طریق و راه هدایت بشریت محسوب می‌گردد. در آیات متعدد از قرآن مجید به روابط حقوقی و مالی اشخاص اشاره شده است که از آن به عنوان آیات الاحکام یاد می‌گردد و بخش مهمی از آیات قرآن را تشکیل می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۴۲، ۱۳۸۱). به طور مثال، در آیه ۷ سوره مبارکه طلاق خداوند متعال می‌فرماید: «تا مرد دارا به وسعت و فراوانی، نفقه زن شیرده را دهد و آن که نادر و تنگ معیشت است هم آنچه خدا به او داده انفاق کند، که خدا هیچکس را جز آنچه توانائی داده تکلیف نمی‌کند و خدا به زودی بعد از هر سختی آسانی قرار دهد»^۱، یا در آیات ۲، ۱۸۵، ۲۸۰ و ۲۸۶ سوره های مائده، بقره و ۸۸ حج و ۶۲ سوره مومنون به موضوع مستثنیات دین اشاره شده است.

در کنار آیات قرآن مجید می‌توان به سنت پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع) اشاره نمود. سنت عبارت است از قول، فعل یا تقریر معصوم (ع) (مدنی، ۱۳۸۶، ۱۶۱) و نقل و حکایت سنت را روایت، حدیث^۲ و خبر گویند. منظور از قول و فعل، گفتار و کردار پیامبر (ص) یا امامان معصوم (ع) و مقصود از تقریر، سکوت و رفتار تایید آمیز معصومین (ع) نسبت به فعل، قول یا عقیده‌ای که در حضور ایشان مطرح شده و آن را رد نکرده باشند. بنابراین در آیات و روایات زیادی به موضوع مستثنیات دین اشاره شده است (تولیت، ۱۳۷۷، ۲۴)، که مانع از اجرای صحیح احکام و اسناد لازم الاجرا و عملیات اجرایی به خصوص بازداشت اموال می‌گردد.

در حقوق اسلام، علی‌الخصوص در فقه شیعه، برخی از ضروریات زندگی از قبیل: خانه مسکونی، البسه تن و تجمل مدیون و خانواده اش، خادم، اسب یا مرکب سواری مدیون، هزینه، آذوقه، مخارج زندگی بدهکار، خانواده و عیال او از فروش و پرداخت دیونش معاف شده، در زمره مستثنیات دین قرار گرفته است (محقق حلی، ۱۴۱۴، ۳/۹۴). در میان فقهای اهل سنت نیز، با اندک تفاوتی، به بعضی از مصادیق مستثنیات دین اشاره شده، موضوع مستثنیات دین پذیرفته شده است، گرچه در مصادیق آن بین فرق مختلف اهل سنت اختلاف نظر وجود دارد.

بنابراین، در صورت بازداشت اموال بدهکار یا محکوم علیه و، نهایتاً، فروش و مزایده آنها، نامبردگان در سختی و مشقت قرار می‌گیرند. یعنی به تعبیر اصطلاحی، دچار عسر و حرج می‌گردند. لذا، طبق قاعده نفی عسر و حرج، در صورت وجود اموال مشمول مستثنیات دین، تکلیف از بدهکار یا محکوم علیه ساقط می‌گردد، چرا که ضیق و عسرت نفی شده است. از این رو، ضابطه اصلی برای شناخت مستثنیات دین این است که توقیف کردن و خارج نمودن برخی اموال از تصرف مدیون یا محکوم علیه موجب عسر و حرج او می‌شود. نتیجه آن که، در اسلام به رسمیت شناختن مستثنیات

^۱ «لینفق ذوسعة من سخته و من قدر علیه رزقه فلینفق مما اتاه الله لا یكلف الله نفسا الا ما اتاهها سیجعل الله بعد عسر یسرا»
^۲ مهم‌ترین کتب حدیث شیعه، اصول کافی کلینی، من لایحضره الفقیه شیخ صدوق، تهذیب و استبصار تالیف شیخ طوسی می‌باشد.

دین مبتنی بر قاعده عسر و حرج است (شاه حسینی، ۱۳۹۰، ۲۲). همچنین، در دین مبین اسلام، زیان و زیان رساندن نفی شده است. قاعده لاضرر و لاضرار یکی دیگر از قواعد مهم، مسلم و مشهور فقه اسلامی و از احادیث نبوی مشترک بین شیعه و سنی است. مدرک آن در کتاب‌های اهل سنت و شیعه آمده و عبارتی که در این زمینه رسیده با اندک اختلافی معنای لاضرر و لاضرار را دارا می‌باشد. بنابراین، بازداشت تمام اموال بدهکار یا محکوم علیه به علت برخورد با قاعده لاضرر امکان پذیر نیست و نفی شده است.

با ذکر این که از محضر و دفتر فقهای حاضر یا معاصر این سوال و استفتاء به عمل آمد که آیا اموال مشمول مستثنیات دین قابل بازداشت و توقیف می‌باشد یا خیر، فقهای عظام از جمله حضرت آیت الله العظمی فاضل لنکرانی و حضرت آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی و حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی همگی بر این موضوع اتفاق نظر دارند که اموال مشمول مستثنیات دین قابل بازداشت و توقیف نمی‌باشد. همچنین حضرت آیت الله العظمی شبیری زنجانی، ضمن شرعی دانستن استیفاء دین از اموال بدهکار و بازداشت اموال وی، بازداشت اموال بدهکاری که توانایی ادای دین را ندارد و بازداشت اموال مشمول مستثنیات دین بدهکار را جایز نمی‌داند.^۱

مقررات مستثنیات دین مذکور در مواد ۶۵ ق.ا.ا.م، ۶۱ آ.ا.م، ا.ر.ل. و ۲۴ ق.ن.ا.م.م. خالی از اشکال نیست. زیرا در مصادیق مواد فوق‌الاشعار، نواقص، تعارض و تهافت مشاهده می‌شود. لذا، برای رفع ابهام، پیشنهاد می‌شود مقررات مستثنیات دین در قانون و آیین نامه اجرا این گونه اصلاح شود: «اموال و اشیاء زیر از مستثنیات دین است و بازداشت نمی‌شود: ۱-... ۲-... ۳-... ۴- منزل مسکونی که عرفاً در شان محکوم علیه باشد. ۵- تلفن مورد نیاز مدیون ۶- مبلغی که در ضمن عقد اجاره بها به موجر پرداخت می‌شود؛ مشروط به این که پرداخت اجاره بها بدون آن موجب عسر و حرج گردد و...»

۶- موانع بازداشت اموال در تصرف اشخاص ثالث

از جمله موانع بازداشت اموال بدهکاران، ارتباط داشتن با اشخاص ثالث یا اموال در تصرف این دسته از اشخاص می‌باشد. مثل وجود پروانه‌ها، امتیازات، سهام و سهم الشرکه شرکتهای تجاری که اشخاص ثالثی غیر از طرفین پرونده اجرایی صادر می‌کنند، یا حقوق کارگران و کارمندان که رئیس اداره یا کارفرمای بخش خصوصی به عنوان اشخاص ثالث از بازداشت اموال بدهکاران استنکاف می‌نمایند. مواد ۸۷ الی ۹۶ ق.ا.ا.م، و ۷۴ تا ۸۵ آ.ا.م، ا.ر.ل. به بازداشت اموال نزد شخص ثالث اشاره نموده است. هر چند در اجرای بند ب ماده ۱۱۳ قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، مصوب

^۱ پاسخ استعلام از دفتر حضرات آیات عظام فاضل لنکرانی، نوری همدانی، ناصر مکارم شیرازی و شبیری زنجانی که تحت شماره های ۹۸۰۴۸۰-۱۴۰۰/۰۳/۰۸ و ۶۵۶۱۹۴-۱۴۰۰/۰۳/۰۴ و ۲۲۳۷۴-۱۴۰۰/۰۳/۰۵ و ۱۵۲۹۳-۱۴۰۰/۰۳/۰۴ ثبت ورودی دفتر شده و پاسخ در هامش نامه ها قید شده است.

۱۳۹۵، آیین نامه شناسایی و توقیف اموال مدیون در اجرای مفاد اسناد رسمی در مورخ ۱۳۹۸/۴/۲۶ به تصویب رئیس وقت قوه قضاییه رسیده و سامانه هوشمند استعلامات مالی قوه قضاییه (سپام) در بعضی از دادگستری ها در سال ۱۴۰۰ جهت شناسایی موجودی حسابها، دارایی در بورس و اموال غیر منقول شخص محکوم علیه به صورت آنی راه اندازی شده است، اما اشکالات و موانع بازداشت اموال بدهکاران، به خصوص در تصرف اشخاص ثالث، همچنان به قوت خود باقی است. زیرا، اولاً، آیین نامه مزبور در خصوص اسناد رسمی لازم الاجرا قابل اجرا است و شامل اسناد عادی نمی باشد. ثانیاً، برابر ماده ۵ آیین نامه موصوف، ادارات اجرای ثبت مکلف اند برای شناسایی و بازداشت اموال از مراجعی که به هر نحو اطلاعاتی در مورد اموال اشخاص دارند استعلام لازم به عمل آورند، ناظر به مراجع دولتی است و شامل اشخاص ثالث حقیقی یا حقوقی حقوق خصوصی نمی باشد.

اما در حقوق فرانسه، این خلاء ها ی قانونی مرتفع گردیده، اطلاعات اموال سازماندهی شده و استفاده از آن در اجرای احکام و اسناد به طور موثر امکان پذیر و فراهم شده است. برابر ماده آر ۵۲۴ بند ۴ کد اجرای احکام مدنی « با بازداشت حقوق مالی متصل به کلیه امتیازات، پروانه ها، سهام یا اوراق بهاداری که بدهکار دارنده آن است، اموال از دسترس او خارج می شود». بازداشت حقوق و مزایا توسط رئیس یا کارفرمای مخاطب، از مقررات آمره و الزام آور محسوب می گردد. این اشخاص به عنوان شخص ثالث معرفی شده و موظف هستند برابر ماده ال ۲۱۳ بند ۲ کد اجرای احکام مدنی، «مبالغ بازداشت شده را طبق مهلت تعیین شده در دستور صادره، مستقیماً به بستانکار ذینفع پرداخت نمایند، حتی اگر این بازداشت مربوط به حقوق و دستمزد کارکنان دولت، مشمولین قانون کار، افسران و... باشد، قابل اجرا است».

همچنین، مانع دیگر بازداشت سرقفلی، حق کسب و پیشه یا تجارت، به لحاظ مغایرت با حقوق اشخاص ثالث، است که در دکترین حقوقی، رویه قضایی و ثبتی ایران تشتت آراء وجود دارد. در دوائر اجرایی ثبت، ماده ۵۴ آ. ا. م. ا. ر. ل. بازداشت حقوق مدیون نسبت به سرقفلی را مجاز دانسته، لکن مزایده آن رابه لحاظ رعایت منافع اشخاص ثالث جایز نمی داند. شورای عالی ثبت نیز در رای شماره ۱۷۷۹ - ۱۳۷۱/۷/۱۲ (قسمت اسناد)، که در مقام وحدت رویه صادر شده است چنین مقرر می دارد: نظر به این که مزایده سرقفلی مغایر با حقوق اشخاص ثالث است، بنابراین هر گونه اقدامی در این مورد وجهه قانونی ندارد". اما در قانون اجرای احکام مدنی به بازداشت و مزایده سرقفلی، حق کسب و پیشه یا تجارت اشاره نشده است. در حقوق فرانسه با شناسایی پدیده ای به نام اجاره به سبک آمریکایی، بازداشت سرقفلی، حق کسب و پیشه یا تجارت در هاله ای از ابهام قرار گرفته است. چرا که حقوق فرانسه به داشتن آن به عنوان دارایی مستقل خوش بین نبوده و آنرا منشاء تقلب و سوء استفاده می داند (لعلی، ۱۳۹۴، ۷۶).

در حقوق اسلام اموال اشخاص محترم و مصون از تعرض است. مطابق اصل تسلیط (الناس

مسلطون علی اموالهم)، از نظر شرعی صرف انکار اشخاص در بازداشت اموال موثر است، مگر در صورت اثبات خلاف آن. لذا، بازداشت و برداشت وجوه و اموال متعلق یا در تصرف اشخاص ثالث قبل از اثبات آن نزد قاضی، مغایر آیه شریفه ۳۹ سوره مبارکه نجم (لیس للانسان الا ما سعی)، اصول ۴۰ و ۲۲ قانون اساسی و از مصادیق بارز اکل مال به باطل است (نامه شماره ۴۸۲۳۱/۳۰/۹۱ - ۱۳۹۱/۷/۱۶ قائم مقام شورای نگهبان مذکور در دادنامه شماره ۸۳۵ - ۹۱/۱۱/۹ هیات عمومی دیوان عدالت اداری).

رگه‌هایی از سرقفلی، حق کسب و پیشه یا تجارت در آثار فقهای متقدم و متاخر در ابواب مختلف متاجر (مکاسب) قابل مشاهده است (شهید ثانی، بی تا، ۶۰۳). سرقفلی کلمه‌ای فارسی است و در لغت عرب به جای آن از لفظ خلو استفاده می‌کنند (حلی، ۱۳۸۴، ۱۱۹). یکی از مباحث مطروحه در چهارمین کنفرانس فقه اسلامی در جده مساله ((بدل الخلو)) یا ((سرقفلیه)) بوده است. تقریباً، اکثر فقهای معاصر به حکم ضرورت در مورد موضوع فوق، مصادیق، حرمت، حلیت و بازداشت یا عدم بازداشت آن اظهار نظر کرده اند (موسوی الخمینی، ۱۳۸۰، ۶۱۴، خوئی، ۱۳۵۵، ۳۲، حلی، ۱۳۸۴، ۱۱۹، منتظری، ۱۳۶۲، ۴۰۹ و روحانی، ۱۳۹۸، ۲۱). همچنین، بیشتر فقهای اهل سنت (باستثناء مالک بن انس) شافعی‌ها و حنبلی‌ها اخذ بدل خلو از موجد ضمن عقد اجاره را شرعاً جایز، اما بعد از انقضاء مدت اجاره جایز نمی‌دانند و مصادیق بارز اکل مال به باطل دانسته اند (کشاورز، ۱۳۷۱، ۵۸). لذا به نظر آنان بازداشت سرقفلی، حق کسب و پیشه یا تجارت به لحاظ مغایرت با حقوق اشخاص ثالث صحیح نیست و از موانع بازداشت اموال بدهکاران محسوب می‌گردد.

۷- موانع بازداشت اموال واقع در خارج از کشور

یکی از موانع بازداشت اموال بدهکاران مربوط به زمانی است که محل وقوع مال در خارج از کشور می‌باشد. از قدیم الایام اعمال قانون محل وقوع اموال غیر منقول و قانون درون مرزی اموال منقول مورد قبول و اتفاق اکثر کشورها بوده است. زیرا اموال غیرمنقول با حاکمیت ارتباط داشته و جزء سرزمین کشور محل وقوع بوده است. لذا، اجرای حکم و سند در صورتی امکان پذیر خواهد بود که قانون محل وقوع مال اعمال گردد. مواد ۸ و ۹۶۶ قانون مدنی ایران نیز قاعده اعمال قانون درون مرزی (قانون محل وقوع مال) را نسبت به اموال غیرمنقول صراحتاً پذیرفته است. بنابراین، رژیم مالکیت و حقوق مربوط به اموال غیرمنقول واقع در خارج تابع قانون کشور خارجی است، اگرچه مالک آن ایرانی باشد. ماده ۹۶۶ قانون مدنی ایران نیز اعمال قانون درون مرزی نسبت به اموال منقول را صراحتاً بیان کرده است. لذا، چنانچه یک نفر ایرانی بخواهد در فرانسه اموال و املاک واقعه در آن کشور را بازداشت نماید، باید قانون محل راجع به نحوه بازداشت را رعایت کند و تشریفات قانونی آن را اجرا نماید، در غیر این صورت، به نتیجه‌ای نخواهد رسید.

در حقوق فرانسه تا سال ۱۹۶۴ اصل عدم قابلیت اجرای حکم یا سند خارجی با شناسایی محدود

اعمال می شده است، حتی در روابط بین مناطق فرانسه هم اجرای احکام و اسناد به سادگی صورت نمی پذیرفت. اما از قرن هفدهم به بعد و براساس مواد ۲۱۲۳ قانون مدنی و ۵۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی، اجرای احکام و اسناد خارجی با اعلام دادگاه‌های فرانسه قابل اجرا شناخته می‌شد. هر چند دیوان تمیز در سال ۱۹۶۴ با تفسیر جدید، اجرای احکام و اسناد خارجی را مستلزم رسیدگی ماهوی و تجدید نظر ندانسته است، ولی هنوز هم اصل بر عدم اجرا بوده و دادگاه‌های فرانسه از اجرای حکم یا سند خارجی در پرونده‌هایی که در صلاحیت بین‌المللی باشد، خودداری می‌نمایند.

با گذشت زمان، رویه قضایی و دکترین فرانسه، صلاحیت محلی دادگاه‌های خارجی را پذیرفته است. بنابراین، اگر یک دادگاه خارجی، از لحاظ قواعد صلاحیت بین‌المللی، خود را واجد صلاحیت دانسته، به دعوی دو نفر غیر فرانسوی رسیدگی نموده و حکمی صادر کند، چنانچه اموال بدهکار یا محکوم علیه در کشور محل صدور حکم کافی برای اجرا نباشد، بستانکار یا محکوم له می‌تواند حکم محکمه خارجی (مثل ایران) را نسبت به اموال بدهکار که در فرانسه واقع شده است اجرا نماید. ضمناً، با توجه به این که فرانسه با کشورهای دیگر از جمله انگلیس، ایتالیا، آمریکا و... قرارداد‌های دو جانبه اجرای متقابل منعقد کرده است، عملاً، از مقررات مواد ۱۴ و ۱۵ ق.م.اعراض نموده، شناسایی و اجرای احکام و اسناد خارجی را پذیرفته است (الماسی، ۱۳۹۳، ۲۱۱).

در اسلام، اصل اولیه در روابط میان مسلمانان و سایرین صلح است. لذا در صورتی که مسلمانان در خارج از سرزمین اسلام یعنی دارالکفر اقامت نمایند، اصل شخصی بودن و اجرای قوانین اسلامی در خصوص احوال شخصیه و ... بر آنان حاکم خواهد بود. با وجود این، مسلمانان باید حاکمیت دولت غیراسلامی که تبعه آن وارد سرزمین اسلامی شده را به رسمیت بشناسند. در حقوق اکثر کشورهای اسلامی از جمله لبنان، عراق، مصر، سوریه و ... اجرای احکام و اسناد خارجی مشروط به وجود شرایطی پذیرفته شده است، ولی باید توسط دادگاه‌های این کشورها مورد شناسایی واقع شوند. اما برخی از احکام و اسناد خارجی هستند که دادگاه‌های این کشورها از شناسایی، تنفیذ و اجرای آنها ممنوع شده‌اند، که تمام این موارد به صراحت در قانون همه این کشورها بیان شده است.

اموال غیرمنقول، که از جمله مصادیق بارز آن زمین می‌باشد، با حاکمیت هر کشور عجین بوده، هر قانون‌گذاری در این مورد سخت‌گیری لازم را به عمل می‌آورد. لذا، حفظ حاکمیت هر کشور اقتضا دارد که محاکم بیگانه ورود در این امور را نداشته باشند و این مهم پس از سلطه رژیم اسرائیل در سرزمین فلسطین نمود پیدا کرد. زیرا پس از خرید اراضی فلسطینیان توسط یهودیان، اسرائیل بر سرزمین فلسطین تسلط یافت و امکان حاکمیت بعدی این کشور را منتفی نمود. علی‌رغم حساسیت موضوع، این مهم در قانون بعضی کشورهای اسلامی مثل لبنان لحاظ نشده است (استیری، ۱۳۹۳، ۱۵۹).

نتیجه‌گیری

از آنجا که مقصود نهایی اشخاص ذینفع، اجرای صحیح و کامل حکم یا سند است، یکی از دغدغه‌های آنها انجام تعهدات و پرداخت مطالبات توسط محکوم علیه یا بدهکار می‌باشد. زیرا، ممکن است در مسیر عملیات اجرایی، مشکلاتی بروز نماید که مسیر اجرا را کند یا با مانع مواجه سازد. در حقوق ایران، اجرای احکام و اسناد از طریق دو نظام اجرایی متفاوت (دادگستری و ثبت) صورت می‌گیرد. با توجه به اختلاف در ماهیت، اوصاف، مشخصات، گستردگی و تنوع اموال منقول و غیرمنقول، و اختلاف ماهیتی بین آنها، بالتبع، در اجرا نیز ضوابط، پیچیدگی‌ها و چالش‌های متنوعی مطرح می‌شود. برعکس حقوق فرانسه، در حقوق ایران با وجود تصویب آیین نامه اجرایی شناسایی و توقیف در سال ۱۳۹۸ در مراجع ثبتی و راه اندازی سامانه هوشمند استعلامات مالی قوه قضاییه (سپام) در بعضی از دادگستری‌ها در سال ۱۴۰۰، شناسایی اموال محکوم علیه، متعهد یا شخص ثالث طرف پرونده اجرایی به راحتی صورت نمی‌گیرد. به دلیل خلاءهای قانونی و ناتوانی بستانکاران در معرفی اموال، محکومین مالی و بدهکاران، نسبت به فروش اموال و خالی کردن حساب‌ها مبادرت می‌نمایند. از سوی دیگر، در بازداشت اموال در تصرف شخص ثالث، مثل سرقفلی، سهام شرکتها، پروانه‌ها و امتیازات، مشکلات عملی و حقوقی وجود دارد و افراد سود جو، جهت فرار از پرداخت دین، با تصرف اموال دیگران، مانع ادامه عملیات اجرایی شده یا حداقل روند پرونده‌های اجرایی را با چالش مواجه می‌سازند.

در رابطه با بازداشت اموال از جمله اموال دولتی، شهرداری‌ها، سفارت‌خانه‌ها و کنسولگری‌ها، به دلیل فقدان معیار جدید، عدم وجود ضابطه و وجود مصونیت‌ها، موانع و مشکلاتی وجود دارد. هم چنین این موانع ممکن است ناشی از اجرای قاعده مستثنیات دین باشد. مضافاً این که، در بحث بازداشت مستثنیات دین، وجود رویه‌های مختلف و متهافت در مراجع اجرایی قضایی و ثبتی ایران، مسیر عملیات اجرایی را با تاخیر و کندی مواجه نموده است، زیرا در بعضی موارد موضوع به سکوت برگزار شده، قانونگذار درباره آنها تعیین تکلیف ننموده است. ضمن آن که، در برخی موارد دیگر نیز مقررات موضوعه ثبتی و قضایی با هم متناقض یا متعارض می‌باشند.

در حالی که در نظام حقوقی فرانسه این خلاءهای قانونی مرتفع گردیده، اطلاعات اموال افراد ساماندهی شده است، در واقع، اموال اشخاص در اتاق شیشه‌ای قرار داشته، و به راحتی قابل شناسایی می‌باشد. لذا، بازداشت اموال متعلق به بدهکار، حتی در تصرف اشخاص ثالث، مطالبات موکول به آینده، مدت دار و... امکان پذیر می‌باشد، حساب‌های بدهکار نیز، با انجام عملیات بازداشت، خودبه خود از دسترس او خارج می‌شوند. البته، در بحث اجرای مستثنیات دین، حقوق فرانسه همان مسیری را در پیش گرفته که حقوق کشور ما پیموده است و در خصوص ارتباط داشتن اشخاص ثالث در بازداشت امتیازات، سرقفلی، سهام و اوراق بهادار، حقوق فرانسه مهلت یک ماهه اختیاری برای فروش آنها تعیین کرده است تا مانع از فروش اجباری و حراج شود.

در حقوق اسلام، باوجود تاکید قرآن کریم به مبحث اجرای تعهدات در آیه سه سوره مائده (یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود...)، در مواردی مثل اجرای قاعده مستثنیات دین، برخورد با اموال عمومی، دولتی، شهرداری ها و... در مسیر بازداشت اموال بدهکاران موانعی ایجاد می‌گردد که ادامه مسیر عملیات اجرایی را با مشکل مواجه می‌نماید.

اگر مطالعه حاضر توانسته باشد ضرورت و چگونگی دخالت قانونگذار را در این موارد و لزوم رفع سرگردانی از دادرسان، مجریان و مامورین اجرایی به اثبات رساند، به هدف خود نائل شده است. از لوازم تحقق چنین هدفی آن است که، اولاً: آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا به صورت قانون در آید. ثانیاً: قانون اجرای احکام مدنی نیز، با توجه به گذشت چندین دهه از زمان تصویب آن، مورد بازنگری کلی قرار گیرد.

فهرست منابع

الف) کتب

- ۱- ابراهیمی، محمد، (۱۳۹۶)، اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، سمت، تهران، چاپ هفتم.
- ۲- اشرف، احمد، (۱۳۵۷)، شهرنشینی در ایران/ از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی، دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، چاپ دوم.
- ۳- السنهوری عبدالرزاق، احمد، (۲۰۰۹)، الوسیط فی شرح القانون المدنی الجدید، منشورات الحلبي الحقوقیه، بیروت، چاپ هفتم.
- ۴- الشامی، علی حسین، (۱۹۹۴)، الدبلماسیه، نشاتها و تطورها و قواعدها، دارلعلم للملایین، بیروت، چاپ دوم.
- ۵- الماسی، نجاد علی، (۱۳۹۳)، حقوق بین‌الملل خصوصی، میزان، تهران، چاپ سزدهم.
- ۶- امامی، حسن، (۱۳۹۱)، حقوق مدنی، اسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
- ۷- انصاری، شیخ مرتضی، (۱۳۸۲)، کتاب المکاسب، آرموس، قم، چاپ دوم.
- ۸- بخاری، محمد، (۱۴۱۰)، صحیح بخاری، الاعلی للسنون الاسلامیه، قاهره، چاپ دوم.
- ۹- جبعی العالمی، زین الدین (بی تا) الروضه فی شرح اللعنه دمشقیه، منشورات مکتبه الداوری، قم، چاپ اول.
- ۱۰- جعفریان، رسول، (۱۳۹۰)، تاریخ تحول دولت و خلافت، بوستان کتاب، قم، چاپ ششم.
- ۱۱- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۸۶)، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ چهارم.
- ۱۲- -----، (۱۳۸۱)، مسوط در ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران، چاپ دوم.
- ۱۳- جلالی، سید مهدی، (۱۳۹۳)، اجرای احکام مدنی، خرسندی، تهران، چاپ اول.

- ۱۴- حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۳۸۷)، *وسائل الشیعه*، موسسه آل بیت (ع)، قم، چاپ دوم.
- ۱۵- حسینی حائری، سید کاظم، (۱۳۸۱)، *فقه العقود*، مجمع الفکر اسلامی، قم، چاپ دوم.
- ۱۶- حسینی روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴)، *المسائل المستحدثه*، موسسه دارالکتاب، قم، چاپ چهارم.
- ۱۷- حلی، حسین، (۱۴۱۵)، *بحوث الفقہیہ*، موسسه المنار، قم، چاپ چهارم.
- ۱۸- خرازی، محسن، (۱۳۹۸)، *شرح کتاب احیاء الموات من شرایع الاسلام*، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ دوم.
- ۱۹- خوبی، ابوالقاسم، (۱۳۶۹)، *منهاج الصالحین*، مدینه العلم، قم، چاپ بیست و هشتم.
- ۲۰- -----، (۱۳۵۵)، *مستحدثات المسائل*، مطبعه الآداب، نجف، چاپ اول.
- ۲۱- خیر آبادی، مسعود، (۱۳۷۶)، *شهرهای ایران*، نیکا، مشهد، چاپ دوم.
- ۲۲- رودیجانی، محمد مجتبی، (۱۳۹۲)، *تفسیر جامع قانون اجرای احکام مدنی*، کتاب آوا، تهران، چاپ سوم.
- ۲۳- سیستانی، سید علی، (۱۳۸۸)، *منهاج الصالحین*، مکتب آیه الله العظمی السید السیستانی، قم، چاپ سوم.
- ۲۴- سیفی مازندرانی، علی اکبر، (۱۳۷۳) *دلیل تحریر الوسیله*، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) تهران، چاپ اول.
- ۲۵- شاه حسینی، رضا، (۱۳۹۰)، *مستثنیات*، پژوهشی در حقوق ایران و مطالعه تطبیقی، جنگل، تهران، چاپ اول.
- ۲۶- شهابی، علی اکبر، (۱۳۴۳)، *تاریخچه وقف در اسلام*، دانشگاه تهران، تهران، چاپ اول.
- ۲۷- شعبانی، قاسم، (۱۳۹۳)، *حقوق اساسی و ساختار حکومت جمهوری اسلامی*، اطلاعات، تهران، چاپ پنجاه و چهارم.
- ۲۸- شیرازی، سید محمد، (۱۳۷۷)، *الفقه، القانون، مرکز الرسول الاعظم (ص) للتحقیق و النشر*، قم، چاپ سوم.
- ۲۹- صافی گلپایگانی، لطف اله، (۱۳۷۴)، *هدایه العباد، دار القرآن الکریم*، قم، چاپ چهارم.
- ۳۰- صدر، جواد، (۱۳۸۹)، *حقوق دیپلماتیک و کنسولی*، دانشگاه تهران، تهران، چاپ دوم.
- ۳۱- طالقانی، محمود، (۱۳۵۸)، *اسلام و مالکیت در مقایسه با نظامهای اقتصادی غرب*، ارشاد، تهران، چاپ اول.
- ۳۲- طباطبائی قمی، سید محمد، (۱۴۲۶)، *مبانی منهاج الصالحین*، منشورات قلم الشرق، قم، چاپ دوم.
- ۳۳- طباطبائی موتمنی، منوچهر، (۱۳۹۷)، *حقوق اداری*، سمت، تهران، چاپ دهم.
- ۳۴- طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم، (۱۳۷۸) *العروه الوثقی*، موسسه نشر اسلامی، قم، چاپ اول.

- ۳۵- طوسی، ابوجعفر محمد، (۱۳۶۴)، تهذیب، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ چهارم.
- ۳۶- عدل، مصطفی، (۱۳۷۸)، حقوق مدنی، طه، قزوین، چاپ اول.
- ۳۷- عمید زنجانی، عباسعلی، (۱۳۹۵)، فقه سیاسی، امیرکبیر، تهران، چاپ سوم.
- ۳۸- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، (۱۳۹۱)، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، چاپ و نشر عروج، قم، چاپ اول.
- ۳۹- قاضی شریعت پناهی، ابوالفضل، (۱۳۹۹)، با بسته های حقوق اساسی، میزان، تهران، چاپ پنجاه و نهم.
- ۴۰- -----، (۱۳۹۵)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، میزان، تهران، چاپ چهاردهم.
- ۴۱- قنبری، مجید، (۱۳۸۹)، تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی، نوآور، تهران، چاپ دوم.
- ۴۲- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۸)، حقوق مدنی (اموال و مالکیت)، میزان، تهران، چاپ هفتم.
- ۴۳- -----، (۱۳۶۹)، حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها، بهنشهر، تهران، چاپ اول.
- ۴۴- کشاورز، بهمن، (۱۳۷۱)، سرقفلی و حق کسب و پیشه و تجارت در حقوق ایران و فقه اسلام، کیهان، تهران، چاپ دوم.
- ۴۵- کنعانی، محمدطاهر، (۱۳۹۲)، تملک اموال عمومی و مباحث، بنیاد حقوقی میزان، تهران، چاپ دوم.
- ۴۶- محقق اردبیلی، احمد بن محمد، (۱۳۷۹)، مجمع الفائده و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان، الجماعه المدرسین، قم، چاپ سوم.
- ۴۷- محقق حلی، ابوالقاسم، (۱۴۱۴)، تشریح الاسلام، دارالاضواء، بیروت، چاپ سوم.
- ۴۸- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۹۶)، حقوق بین الملل رهیافتی اسلامی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ دوم.
- ۴۹- مدنی، جلال الدین، (۱۳۸۵)، اجرای مفاد اسناد رسمی، پایدار، تهران، چاپ سوم.
- ۵۰- -----، (۱۳۸۶)، مبانی و کلیات علم حقوق، پایدار، تهران، چاپ شانزدهم.
- ۵۱- معین، محمد، (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، ادنا، تهران، چاپ چهارم.
- ۵۲- مقدسی، ابواسحاق ابراهیم اصطخری، (۱۳۶۸)، مسالک و ممالک، ترجمه ایرج افشار، علمی و فرهنگی، تهران، چاپ سوم.
- ۵۳- موسوی خمینی، روح اله، (۱۳۸۸)، البیع، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، قم چاپ سوم.
- ۵۴- -----، (۱۳۸۰)، تحریرالوسیله، علی اسلامی (مترجم)، اسلامی، قم، چاپ اول.
- ۵۵- موسوی بجنوردی، سید محمد، (۱۳۹۸)، قواعد فقهیه، مجد، تهران، چاپ هفتم.

- ۵۶- منتظری، حسینعلی، (۱۳۷۴)، در اسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، تفکر، قم، چاپ دوم.
- ۵۷- ----- (۱۳۸۷)، رساله توضیح المسائل، سرایی، تهران، چاپ بیست و سوم.
- ۵۸- نظریان، اصغر، (۱۳۸۳)، *جغرافیای شهری ایران*، پیام نور، تهران، چاپ دوم.
- ۵۹- نووی المسمی، محی الدین، (۲۰۰۷)، شرح صحیح مسلم، بیروت، چاپ چهاردهم.
- ۶۰- نیسی، سعید، (۱۳۸۵)، *مجموعه نظریه های مشورتی اداره حقوقی دادگستری*، بهنامی، تهران، چاپ اول.
- ۶۱- وحید خراسانی، حسین، (۱۳۸۶)، *منهاج الصالحین*، مدرسه الامام باقر العلوم (ع) قم، چاپ سوم.
- ۶۲- هاشمی، سید محمد، (۱۳۷۲)، *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران*، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، چاپ اول.

ب) مقالات

- ۶۳- آقایی طوق، مسلم و لطفی، حسن، قاعده عدم امکان توقیف اموال عمومی و دولتی در ایران - رویکرد انتقادی - تطبیقی، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، سال نوزدهم، شماره ۵۶، (۱۳۹۶).
- ۶۴- ابوالحمد، عبدالحمید، پیرامون یک رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عالی کشور و مسئله شخصیت حقوقی دولت، *نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۲۵، (۱۳۶۹).
- ۶۵- استیری، عصمت، اجرای احکام مدنی خارجی در حقوق ایران و لبنان، *فصلنامه قضاوت*، شماره ۸۰، (۱۳۹۳).
- ۶۶- تولیت، سیدعباس، مفهوم و ضابطه مستثنیات دین، *مجله دیدگاههای حقوقی دانشکده علوم قضایی* شماره ۱۲، (۱۳۷۷).
- ۶۷- جلالی، محمد و کرمی، حامد، تمایز میان اموال اشخاص عمومی در حقوق فرانسه، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۵، شماره ۲، (۱۳۹۳).
- ۶۸- رستمی، ولی و عامری، معصومه، شهرداری در نظام حقوقی ایران و فرانسه، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۷، شماره ۱، (۱۳۹۵).
- ۶۹- سپهری، کیومرث و رستمی، ولی، اجرای احکام مدنی علیه اشخاص حقوقی عمومی، *موانع و راهکارها، فصلنامه حقوق*، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، دوره ۴۰، شماره ۲، (۱۳۸۹).
- ۷۰- سعیدی، پرویز، سازمان اداری و مالی در زمان رسول خدا، *فصلنامه حکومت اسلامی*، سال هشتم، شماره ۳۰، (۱۳۸۲).
- ۷۱- عباسی، بیژن، بررسی وظایف و اختیارات شوراهای شهر و روستا در فرانسه، *فصلنامه حقوق*، *مجله*

- دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۳۸، شماره ۴، (۱۳۸۷).
- ۷۲- عزیز، آریا، حقوق دیپلماتیک در اسلام، فصلنامه علمی - حقوقی قانون یار، دوره ۴، شماره ۴، (۱۳۹۶).
- ۷۳- فلاح، اکبر و امیرزاده جیرکلی، منصور، جستاری در ادوار نگاری فقه امامیه، فصلنامه پژوهش های فقه و حقوق اسلامی، سال شانزدهم، شماره پنجاه و نه، (۱۳۹۹).
- ۷۳- کریمی، حامد و میربد، سید علیرضا، ولایت دولت بر اموال عمومی از منظر حقوق اداری و فقه امامیه، فصلنامه حقوق اداری، سال هفتم، شماره ۲۲، (۱۳۹۹).
- ۷۴- کمیلی، محمد و زیاری، کرامت اله و پور احمد، احمد و حاتمی نژاد، حسین، بررسی تاثیر فرهنگ اسلامی ایرانی در مدیریت فضاهای شهری، فصلنامه راهبرد اجتماعی فرهنگی، سال دوم، شماره ۸، (۱۳۹۲).
- ۷۵- مردانی، نادر و رودیجانی، محمدمجتبی، استثنائات وارده بر توقیف اموال در قانون اجرای احکام مدنی، مجله کانون وکلاء، شماره ۲۳-۲۴، (۱۳۸۵).
- ۷۶- معصومی، مسعود و عباسی، بیژن، جایگاه اموال دولتی در نظام حقوقی ایران، فصلنامه حقوق اداری، سال ششم، شماره ۱۸، (۱۳۹۸).

ج) منابع لاتین

- ۷۸- Code des procedures civilesd, execution version consolideeoru ۲۵ mars ۲۰۱۹
- ۷۹- Batsele, Didier, Mortier, Tony, scarcez, Martine, (۲۰۱۸), *Manuel de droit administratif*, Bruylant, Bruxelles, ۲ edition
- ۸۰- Berthelemy, Henry, (۲۰۱۳), *Traite elementaire de droit adminisratif*, Rousseau, Paris. ۵ edition.
- ۸۱- De Laubadrere, et Gaudemet, yves, (۲۰۰۱), *traite de droit administratif*, L.G.D.J. ۱۶ edition.
- ۸۲- Dodd, Christian, ۲۰۱۱, *the French code of civil procedure in English*, oxford, ۳ edition.
- ۸۳- Dupis, George et autre, (۲۰۰۷), *Droit Adminis tratif*, Dalloz, paris. ۳ edition.
- ۸۴- Garcia, Esteban cirral y Jose Antonio Lopez, (۲۰۰۶), *Reglamento de Bienes de Las Entidades locales*, wolters Kluwer Espa a, Madrid.
- ۸۵- Gaudemet, y, (۲۰۱۲), *Droit Aministratif des biens*, L.G.D.J, Paris.
- ۸۶- Guettier, Christophe, (۲۰۰۸), *Droit administrative des biens*, puf, Paris.
- ۸۷- Kayanova, Olga, Mckellar, James, (۲۰۰۶), *manaying Government property Assets*, International Experiences, the urban Institute.
- ۸۸- Long, m, Weil, p, Braibant, G, Delvolve, pet B, Genevois, (۲۰۰۵), *Les grands arrest de La Jurisprudence administrative*, Dalloz.
- ۸۹- Moreau, Jacques, (۲۰۰۴), *Administration Regionale*, Departementale et municipal, Dalloz, paris.
- ۹۰- Navarro, Fernando martos, (۲۰۰۵), *Grupo Bde Administracion Grupo B de Administracion General de La Generalitat valenciana* Editorial mad, sevilla.

- ۹۱- Prudhomme, Remy, (۲۰۰۶), *Local Government organization and finance France*, in local Government in Industrial countries, the World Bank, washing ton.
- ۹۲- Robert, L B Le desoe and BoLes Law a Boczek, (۱۹۸۷), *the international Law Dictionary*, oxford.

